

## برهم‌کنشی بین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی

## با گرایش به دروغ‌گویی در میان دانشجویان

رقیه ولایتی<sup>۱</sup> ID، داود ابراهیم‌پور<sup>۲</sup> ID، محمدباقر علیزاده اقدم<sup>۳</sup> ID، محمدعباس‌زاده<sup>۴</sup> ID

- ۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: [velayati90@yahoo.com](mailto:velayati90@yahoo.com)  
 ۲- نویسنده مسئول\*، دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. رایانامه: [ebrahimpood@iaut.ac.ir](mailto:ebrahimpood@iaut.ac.ir)  
 ۳- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [m.alizadeh@tabrizu.ac.ir](mailto:m.alizadeh@tabrizu.ac.ir)  
 ۴- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir](mailto:m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>تاریخچه مقاله:</b></p> <p><b>دریافت:</b> ۱۴۰۰/۰۲/</p> <p><b>پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۷/</p> <p><b>کلید واژه‌ها:</b>            دروغ‌گویی، سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دانشجویان، تبریز</p>	<p><b>هدف پژوهش:</b> دروغ‌گویی امری اجتماعی محسوب می‌شود چرا که در روابط انسانی و اجتماعی تحقق می‌یابد. ما همیشه با تصور حضور و وجود دیگری دروغ می‌گوییم. دروغ‌گویی یک پدیده فرهنگی و منفی اجتماعی و از صفات ناپسند اخلاقی است که متأسفانه امروزه در بین افراد جامعه به طور شایع مشاهده می‌شود. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با گرایش به دروغ‌گویی می‌باشد.</p> <p><b>روش پژوهش:</b> روش پژوهش، توصیفی همبستگی بوده و جامعه آماری آن شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با حجم نمونه ۳۷۵ نفر می‌باشد که به روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردیدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای که اعتبار آن به روش محتوایی و صوری و پایایی آن با آلفای کرونباخ محاسبه گردید، انجام شده است. در چارچوب نظری پژوهش از نظریه‌های بورديو، هیرشی، برساختگرایی، پاتنام و دیگران بهره گرفته شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و Amos استفاده شده است.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سرمایه اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن، سرمایه فرهنگی و بعد تجسم‌یافته آن و سرمایه اقتصادی با گرایش به دروغ‌گویی رابطه معکوس و معنی‌دار وجود دارد (<math>P &lt; 0/01</math>). همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه بیانگر آن بود که متغیرهای تحقیق، ۱۹ درصد از گرایش به دروغ‌گویی را تبیین می‌کنند و ۸۱ درصد تغییرات واریانس توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می‌باشد. ولی بین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، سن، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات) پاسخگویان و گرایش به دروغ‌گویی رابطه معنی‌داری وجود نداشت (<math>P &gt; 0/05</math>).</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> دروغ در جامعه حالت سیستماتیک دارد و در ابعاد و زمینه‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی، شکاف طبقاتی را افزایش داده و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند در نتیجه انواع انحرافات اجتماعی از جمله دروغ شکل می‌گیرد.</p>

**استناد:** ولایتی، ر. ابراهیم‌زاده، د. علیزاده‌اقدم، م.ب. عباس‌زاده، م. (۱۴۰۴). برهم‌کنشی بین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی با گرایش به دروغ‌گویی در میان دانشجویان، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴ (ویژه نامه)، ۷۵-۹۷. تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

له تابع سیاست دسترسی باز از نوع 4 CC BY است.



## مقدمه

از نظر جامعه‌شناسی، دو نوع کنش وجود دارد: کنش پیوسته<sup>۱</sup> که باعث پیوند بین افراد جامعه می‌شود و کنش گسسته<sup>۲</sup> مثل رقابت<sup>۳</sup>، تعارض<sup>۴</sup> و دروغ که باعث گسسته شدن پیوند بین افراد جامعه می‌شود. دروغ از نوع کنش‌های گسسته هست که شیوع آن در جامعه موجب گسسته شدن روابط بین افراد جامعه می‌شود. دروغ‌گویی به عنوان بیان امری به صورت نادرست و آگاهانه جهت گمراه کردن فرد دیگر و تلاش برای باور به آن مسأله تعریف می‌شود. اگر چه انسان‌ها سعی دارند در مناسبات اجتماعی خود جانب صداقت را حفظ کنند، با این حال، دروغ‌گویی در ارتباطات انسان‌ها امری نادر و گه گاهی نیست (قاسمی و محدثی گیلوایی، ۱۳۹۶: ۸۸). علاوه بر این، هر کسی عملاً در می‌یابد که راست‌گویی گاهی بسیار پرهزینه است. اعضای جامعه با توجه به جایگاه اجتماعی‌ای که در آن قرار دارند، روابط اجتماعی‌ای که با دیگران برقرار می‌کنند و محیطی که در آن کار یا زندگی می‌کنند موقعیت‌های گوناگونی را تجربه می‌کنند که هر یک از این موقعیت‌ها واکنش‌های متفاوتی را می‌طلبد که از واکنش‌های رایج می‌توان به دروغ‌گویی اشاره نمود که گاه ما را از موقعیتی می‌رهاند، گاهی موانع را از راه اهداف زندگی برمی‌دارد و گاهی رابطه اجتماعی و دوستی‌ها را از بحران نجات می‌دهد (محدثی گیلوایی و فلسفی، ۱۳۹۴: ۱۳۴-۱۳۵). دروغ در همه زمان‌ها و در همه مکان‌ها و جوامع وجود داشته و وجود خواهد داشت اما واقعیت این است که میزان دروغ در همه جوامع به یک میزان نبوده و نیست. به این معنا که در برخی جوامع، شرایط برای دروغ‌گویی بسیار مساعدتر است مثلاً در جوامعی که مردم در انتخاب حاکمان نقش چندانی ندارند و مشارکت و رقابت حداقلی وجود دارد در چنین جامعه‌ای دروغ‌گویی به راحتی می‌تواند انجام پذیرد، برعکس در جوامعی که مشارکت حداکثری وجود دارد، مجال برای دروغ‌گویی و دروغ‌پردازی نخواهد بود. در ایران تحقیقی با عنوان «نظر سنجی از مردم تهران درباره خصوصیات ایرانی‌ها» انجام شده است و نشان می‌دهد که دروغ‌گویی مهم‌ترین خصوصیت منفی ایرانیان است و ۱۲ درصد پاسخگویان مهم‌ترین صفت منفی ایرانیان را دروغ‌گویی دانسته‌اند (صدا و سیما، ۱۳۷۴) نتایج نظرسنجی درباره خلیقات اجتماعی ایرانیان در پیمایش آزمایشی در سطح ملی که پرسش‌هایی درباره خلیقات اجتماعی ایرانیان به شکل الکترونیکی با کمک تعدادی از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های سراسر کشور نشان داده است در درجه هفتم دروغ بین ایرانیان رواج دارد (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۲۱-۲۰) نتایج تحقیق در کشور ایتالیا نشان می‌دهد ۷۰ درصد زنان و مردان اعتراف می‌کنند روزانه پنج تا ده بار دروغ می‌گویند (کُتبی، ۱۳۷۷: ۱۳۵). رفتار دروغ‌آمیز بخشی از رفتارهای روزمره ایرانیان را تشکیل می‌دهد و جزء جدایی‌ناپذیر حیات اجتماعی ما شده است (کُتبی، ۱۳۷۷: ۱۳۸) دروغ‌گویی می‌تواند پیامدهایی از جمله افول سرمایه اجتماعی، بی‌تفاوتی، از بین رفتن اعتماد اجتماعی میان افراد، سازمان و ... را داشته باشد. این بی‌اعتمادی بر ابعاد مختلف زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و وقتی دروغ فراگیر می‌شود از روابط بین فردی گرفته تا ابعاد وسیع‌تر اجتماعی، متأثر از آن خواهد بود و بدبینی و سوءظن حاکم خواهد شد و این بدبینی فشار روانی شدید و دائمی را در پی خواهد داشت. از طرفی، ارتباط دروغ با دیگر انحرافات و سوی دیگر کاهش همبستگی اجتماعی را در پی خواهد داشت و راه را برای سایر ضعف‌های اخلاقی باز می‌کند. یکی از سرچشمه‌های شروع تحقیق اجتماعی، وجود شرایط پارادوکسیکالی است که در جریان زندگی اجتماعی به وجود می‌آیند. به عبارت دیگر، زمانی که اندیشه‌های از پیش شکل گرفته‌ی کنشگر اجتماعی با واقعیت موجود مغایرت پیدا می‌کند، شرایط دوگانه‌ای خلق می‌شود که عموماً محرک تحقیق‌های اجتماعی است. مذمومیت دروغ در فرهنگ و ادبیات ایرانی و در عین حال وفور دروغ و دروغ‌گویی در تعاملات روزمره به خلق شرایط پارادوکسیکال می‌انجامد و همین شرایط دوگانه انجام تحقیق اجتماعی را اگر نگوئیم الزامی، پراهمیت می‌کند. وجه دیگر این تحقیق سرمایه می‌باشد. مفهوم سرمایه اجتماعی مفهومی چندوجهی و بین رشته‌ای و از مفاهیم میانجی است و مهمتر از سرمایه فیزیکی و انسانی می‌باشد و نقش تعیین کننده‌ای در تبیین آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی دارد که همزمان

1. Continuous action
2. Discrete action
3. Competition
4. Conflict

با پیچیده‌تر شدن و افزایش تغییرات در سطوح و ابعاد مختلف، کاربرد بیشتری میان اندیشمندان اجتماعی یافته است. سرمایه اجتماعی را اغلب شبکه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها به حساب می‌آورند و فقدان آن به معنی تضعیف ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد که سبب کاهش اعتماد و همکاری در جامعه می‌گردد و افراد را در برابر بسیاری از مسائل مهم جامعه بی‌تفاوت می‌کند. فقدان سرمایه اجتماعی مترادف با بروز انحرافات اجتماعی و تهدیدی برای احساس امنیت است چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند و انحرافات اجتماعی بالفعل نیز بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (علی بابایی و همکار، ۱۳۸۹: ۸۸). شواهد موجود در جامعه حاکی از این واقعیت است که طی یکی دو دهه اخیر، فرسایش شدید در سرمایه اجتماعی افراد به ویژه جوانان روی داده است. نگاهی به ابتدای دهه پیشین و توجه به انتشار یافته‌های پیمایش «پیمایش ملی-ارزش‌ها و نگرش‌ها» که در سال ۱۳۸۰ در ۲۸ استان کشور تحت سرپرستی دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت، از سطح نازل سرمایه اجتماعی حکایت می‌کند (اعتمادی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۶). از زمان طرح این مفهوم تاکنون تحقیقات زیادی در تأثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش مسائل اجتماعی بررسی و تأیید شده است. وجود انحرافات و آسیب‌های اجتماعی، کاهش انسجام اجتماعی در اجتماعات با هویت متکثر ویژگی‌های شاخص جوامع فاقد سرمایه اجتماعی برشمرده شده‌اند. مفهوم سرمایه فرهنگی در دهه ۱۹۶۰ از سوی بورديو ابداع شد. به جهت اهمیت و گستردگی نقش این سرمایه، نظریه‌پردازان اجتماعی از آن به عنوان منبع مهمی در تعیین ساختار اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یاد نموده‌اند. نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی را برای جامعه به دنبال داشته باشد: محرومیت اکثریت اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و ... در چنین شرایطی تغییرپذیری در جامعه کاهش می‌یابد و تغییرات اجتماعی کند و ناعقلانی می‌شود و اکثریت افراد در جامعه نقش پیرو را بازی می‌کنند (چلپی، ۱۳۹۱: ۳۵) اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که انواع سرمایه قدرت و توان قابل ملاحظه‌ای است که از آمادگی روحی-روانی آحاد جامعه برای گذشتن از منافع شخصی و درگیر شدن در عمل جمعی پدید می‌آید. به بیان دیگر، ثروت و دارایی نهفته‌ای است که به شکل بالقوه در تمام جوامع انسانی وجود دارد و برای شکوفا شدن و به فعل در آمدن به تحقق شرایط ویژه نیاز دارد که بندرت و دشواری فراهم می‌آید. اما چنان چه به موقع شناسایی و به درستی هدایت شود می‌تواند زمینه ساز توسعه کیفی درون‌زا باشد، در غیر اینصورت سیر نزولی سرمایه‌ها می‌تواند زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله افزایش جرم را فراهم کند. باتوجه به اهمیت سرمایه در زندگی معاصر و بسط و گسترش آن به عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی این تحقیق درصدد بررسی رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی با گرایش به دروغ‌گویی در میان دانشجویان می‌باشد. مهمترین پرسش این پژوهش: چه رابطه‌ای میان انواع سرمایه و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی وجود دارد؟

### پیشینه نظری

نزد جامعه‌شناسان، صداقت به "هنجار" تعبیر می‌شود. دورکیم هنجار را از ناهنجار تفکیک کرد. به نظر وی، این امکان وجود دارد که مسأله‌ای در سطح جامعه هنجارمند به نظر برسد، اما در سطح فردی بیمارگون باشد. از نظر او، اگر چه شخصیت فردی یکی از عناصر مهم حیات جامعه است، اما برای رسیدن به اخلاق علمی ابتدا باید ساختار را اصلاح کرد (سدیدپور و همکار، ۱۳۹۳: ۲۱۳). اساس اعتقاد بر ساخت‌گرایان<sup>۱</sup> بر رد هر گونه شناخت پیشینی شکل گرفته است. در حقیقت شکل‌گیری شناخت و معنا یافتن پدیده‌ها در بستر زیست اجتماعی و در پس آن، زبان صورت می‌گیرد. واقعیت، ساخته و پرداخته جامعه است (برگر<sup>۲</sup> و همکار، ۱۳۸۷: ۴۹). نظریه‌پردازان تعامل‌گرایی<sup>۳</sup> ریشه‌های رفتارهای جمعی را در شخصیت افراد جستجو می‌کنند. آنها بر متغیرهایی چون نارضایتی اجتماعی، ناسازی اجتماعی، حاشیه‌ای شدن و احساس محرومیت به خصوص

1. Constructivists  
2. Peterberger  
3. Interactivity

محرومیت نسبی تأکید می‌کنند (مرادی و همکار، ۱۳۸۹: ۷). نظریه نظارت اجتماعی، هیرشی<sup>۱</sup> تأکید می‌کند که میزان «اعتقاد» افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت از هم است. هر چه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد احتمال دارد که بیشتر هنجار شکنی بکند. به اعتقاد رونالد اکر<sup>۲</sup>، مهمترین اصل در یادگیری اجتماعی کجرفتاری در اثر شرطی شدن از طریق پاداش و تنبیه شکل می‌گیرد (بخارایی، ۱۳۹۳: ۵۰۰-۵۰۱). زیمل<sup>۳</sup>، دروغ را در چارچوب هندسه اجتماعی خاصه نظراتش درباره فاصله مطرح می‌کند. هر چقدر انسان به کسی نزدیکتر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که با دروغ گفتن او یا پنهان کاری او آسیب ببیند. دنیای مدرن بیش از جوامع پیشین به صداقت وابسته است چرا که اقتصاد مدرن، اقتصادی اعتباری است و اعتبار به خواست انسانها به وفای به عهد وابسته است. دیگر این که، در علم مدرن محققان به نتایج مطالعات فراوانی متکی‌اند که جزییات آنها را نمی‌توانند واریسی کنند و لذا به صداقت دانشمندان دیگر اتکا می‌کنند. در چنین شرایط مدرن دروغ مخرب‌تر از قبل می‌شود و تمام بنیان‌های زندگی را زیر سوال می‌برد (ریترز، ۱۳۹۳: ۲۵۳). نظریه کنش متقابل<sup>۴</sup> زیمل پتانسیلی برای تبیین پدیده اجتماعی<sup>۵</sup> دروغ‌گویی دارد. دروغ صورتی از تعامل<sup>۶</sup> است که در آن دروغگو عمداً حقیقت را از دیگران کتمان می‌کند. در دروغ موضوع فقط این نیست که به دیگران تصویر غلطی ارائه می‌شود بلکه موضوع این است که دروغگو قصد دارد دیگران گمراه شوند. در نظر زیمل ما با دروغ کسانی که با ما فاصله دارند بهتر کنار می‌آییم؛ ما از خبر دروغ‌گویی مکرر سیاستمداران کشور چندان جا نمی‌خوریم، بر عکس اگر نزدیکان ما به ما دروغ بگویند زندگی برایمان غیر قابل تحمل می‌شود. دروغ همسر یا عاشق یا فرزند بسی خردکننده‌تر از دروغ مسئولان دولتی است که آنها را فقط در صفحه تلویزیون می‌بینیم. هر ارتباط معمولی ترکیبی از عناصری است که هر دو طرف می‌دانند و حقایقی که فقط یکی یا دیگری می‌داند. عنصر دوم این است که در هر رابطه اجتماعی<sup>۷</sup> فاصله ایجاد می‌کند. به‌زعم زیمل، رابطه اجتماعی هم مستلزم عناصری است که تعامل کنندگان می‌دانند و هم مستلزم عناصری که یک طرف یا طرف دیگر نمی‌داند (ریترز، ۱۳۹۳: ۲۵۳). از نظر زیمل، هر قدر انسان به کسی نزدیکتر باشد، احتمال بیشتری می‌رود که با دروغ گفتن او یا پنهان کاری او آسیب ببیند. زیمل می‌گوید: که در گروه‌های ابتدایی‌تر، دروغ‌گویی نسبتاً بی‌اهمیت است زیرا افراد زندگی خودکفایی را در گروه دنبال می‌کنند و روابط متقابل در حداقل است، بر عکس جامعه‌های اعتباری هستند، ما به شمار زیادی از انسان‌ها برای گفتن حقیقت آنچه آنها انجام می‌دهند وابسته‌ایم، و اگر آنها از کمک به ما دریغ کنند رنج می‌بریم. در جامعه‌های مدرن دروغ معادل عقلانی چماق راهزن است. زیمل راز را به آنچه او ابعاد اصلی روابط انسانی می‌داند ارتباط می‌دهد. وی همکاری و هماهنگی، از یک طرف، و فاصله و رقابت از طرف دیگر و گستره‌ای از روابط را بر طبق درجه شناختی که شرکت کنندگان ممکن است از یکدیگر داشته باشند، بررسی می‌نماید. در گروه ساده ذینفع مثلاً شاخه‌ای از اتحادیه‌ی کارگری، تمام چیزی که فرد باید بداند این است که با دیگران منفعت یکسانی دارد. هر چه بیشتر به طرف روابطی برویم که ریشه در تمامیت شخصیت دارد، بیشتر می‌خواهیم درباره شخص دیگر بدانیم. زیمل، ارزش اجتماعی خاصی به آشنایی و راز داری و به دوستی متمایز می‌دهد. به اعتقاد وی، در مقایسه با گرایش کودک وار برای آشکار کردن همه چیز، توانایی پنهان کردن واقعیت‌ها "یکی از بزرگترین دستاوردهای آدمی است". مادام که تمدن گسترش می‌یابد، آن چه که زمانی آشکار بود پنهان می‌گردد و آنچه زمانی پنهان بود آشکار می‌گردد. امور عام آشکار می‌شوند و زندگی‌های فردی خصوصی می‌گردند. رازداری جذابیت خاص دارد: داشتن راز فرد را متمایز نموده و احساس تملک خاص به او می‌دهد؛ مردم اگر بدانند که شما رازی دارید حسادت خواهند کرد و این منجر به وسوسه شدیدی برای خیانت می‌شود. اگر من تنها کسی باشم که می‌دانم رئیس‌م معشوقه‌ای دارد،

1. Hirsch
2. Ronald Acker
3. Georg Simmel
4. Interaction
5. social phenomenon
6. Interaction
7. social relationship

وسوسه لو دادن او شدید است. اهمیت راز داری با فرآیند تفرّد گسترش می‌یابد و آن را تقویت می‌کند، صاحب راز فاصله‌ی اجتماعی خود را از دیگران افزایش می‌دهد و سرانجام بر آن فاصله تکیه می‌کند. در واقع، بحث زیمیل بین دروغ‌گویی و کتمان در نوسان است؛ پنهان کردن و نگفتن رازها به پدیده‌ی کتمان اشاره دارد و کتمان غیر از دروغ‌گویی است. در دروغ‌گویی فعل گفتن «Telling» رخ می‌دهد در حالی که در کتمان با نگفتن و پنهان کردن مواجه هستیم. زیمیل در بحث اعتماد نیز مطرح می‌کند که جامعه ترکیبی از روابط مبادله‌ای میان افراد است. پس در حرکت مداوم است. مبادله شکل خالص و اصلی‌ترین شکل هم‌کنشی متقابل انسان‌هایی است که در آن منافع افراد دنبال می‌شود. هر کنش متقابلی باید هم چون مبادله قلمداد گردد (یان کریپ<sup>۱</sup>، ۱۳۸۹: ۲۷۸). یکی از کارکردهای مبادله ایجاد پیوندهای درونی بین افراد است. مهم‌ترین شرایط مبادله اعتماد است. بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جامعه تجزیه می‌گردد. اعتماد، روابط اجتماعی را مستحکم می‌سازد و یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی جامعه است. بر خلاف کذب و دروغ، که روابط اجتماعی را سست می‌کند و یکی از مهم‌ترین عوامل تجزیه جامعه است (قاسمی و محدثی گیلوایی، ۱۳۹۶: ۱۳)

نظریه پیوند افتراقی ساترلند<sup>۲</sup>، از مجموعه نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در کثرتاری اجتماعی است. کثرتاری یادگرفتنی است، بخش اصلی یادگیری کثرتاری در حلقه‌های درون گروه‌های صمیمی و تحت تأثیر رسانه‌ها روی می‌دهد. ساترلند در سطح تعامل اجتماعی مدعی شد که افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می‌گیرند که کثرتار شوند. به نظر ساترلند، جرم زمانی رخ می‌دهد که موقعیت مناسب آن برای عامل رفتار فراهم شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۷-۵۰).

ساخت از نظر پارسونز دو سطح عینی و انتزاعی دارد. ساخت در سطح عینی همان الگوهای هنجاری است. در سطح انتزاعی متغیرهای الگویی با ساختی است. متغیرهای الگویی باساختی در ارتباط با کنشگر و وضعیت به چهار نوع تقسیم می‌شوند: متغیرهای ساختی در ارتباط با کنشگر:

- عاطفی- غیر عاطفی: کنشگر در رابطه با دیگر کنشگران بی‌طرف و غیر عاطفی هست مثل رابطه تجاری فرد با افراد دیگر، با عاطفی هست مثل رابطه فرد با اعضای خانواده اش.

و بر کنش‌های انسانی را به سه دسته تقسیم بندی می‌کند: کنش‌های عاطفی، سنتی و عقلانی. هر کدام از این نوع کنش‌ها، جامعه خاص خود را ایجاد می‌کند. یعنی کنش‌های عاطفی، جامعه قهرمان مدار و کاریزماتیک، کنش‌های سنتی، جامعه سنتی که بیشتر جوامع دین مدار و کنش‌های عقلانی که جامعه عقلانی-قانونی و بوروکراتیک را ایجاد می‌کنند. طبق این دسته‌بندی می‌توان دو نوع جامعه کاریزماتیک و سنتی را در ردیف جوامع توسعه نیافته و جوامع عقلانی-قانونی را در رده جوامع توسعه یافته جای داد.

- اشاعه و تفکیک: رابطه کنشگر با دیگر کنشگران یا به صورت ویژه و تفکیک شده هست. مثل رابطه استاد با دانشجویانش که تنها به رابطه استاد و دانشجویی مختص می‌باشد. یا به صورت پخش و اشاعه یافته هست مثل رابطه همان استاد با پسرش که دانشجویش نیز هست. این رابطه علاوه بر رابطه استاد و دانشجویی، به رابطه پدر و پسری نیز گسترده است. متغیرهای ساختی در ارتباط با وضعیت:

- عام‌گرا و خاص‌گرا: جوامع توسعه نیافته خاص‌گرایانه و جوامع توسعه یافته عام‌گرایانه است. بنابراین در ارتباط بین معیارهای خاص و عام‌گرایی با دروغ می‌توان گفت در جامعه‌ای که راه دستیابی افراد به مناصب قدرت تنها از طریق معیارهای خاص‌گرایانه است و جایی برای گردش نخبگان و اظهار شایستگی و لیاقت نیست؛ تنها راهی که می‌ماند این است که فرد از طریق فتنه، تملق، مبالغه، عیب پوشی، فرصت طلبی، افترا و ده‌ها خصیصه منفی دیگر که جملگی بر پایه دروغ شکل گرفته، نظر صاحبان قدرت را به دست آورد در حالی که در جوامع توسعه یافته، به دلیل تأکید بر معیارهای عام‌گرایانه چون شایستگی و لیاقت دیگر جایی برای چاپلوسی، تملق و دروغ‌گویی وجود ندارد. تأکید بر معیارهای خاص‌گرایانه در جوامع توسعه نیافته در حوزه فرهنگی و اجتماعی چون خویشاوند‌گرایی، پارتی بازی و... سبب می‌شود که آن معیارها تنها برای آن

افراد خاص، اعتبار داشته باشد و جامعه فاقد معیارهای عامی باشد که برای همه افراد جامعه معتبر و مهم باشد. در چنین شرایطی اعتماد اجتماعی از بین می‌رود. طبق نظر گیدنز، اعتماد را در سطح خرد (اعتماد به افراد خاص) و در سطح کلان (اعتماد به نظام‌های انتزاعی و افراد). با از بین رفتن اعتماد اجتماعی روابط و دوستی‌های نافرجام گرفته تا ملاحظه‌کاری‌ها و پنهان کاری‌ها و... که در نهایت جملگی بر پایه دروغ شکل گرفته تجلی می‌کند.

-اكتسابی و انتسابی: در جوامع توسعه نیافته، به دلیل اینکه کنش‌ها احساسی و عاطفی هستند، این نوع کنش‌ها، رژیم‌های سیاسی خاص خود را بوجود می‌آورند و راه دستیابی افراد به مناصب قدرت بیشتر انتسابی است. فردی که می‌خواهد به یک پست سیاسی دست پیدا کند باید خود را به عقده و فرقه سیاسی خاصی که حاکمیت آن را درست می‌داند، منتسب سازد و رفتارهایی را از خود نشان دهد که بیانگر وفاداری فرد به آن عقیده یا مرام خاص باشد. به همین جهت فرد ناگزیر حرف‌هایی را بر زبان می‌راند که عقیده‌ای به آن‌ها ندارد و در رفتار خود به کردارهایی تظاهر می‌نماید که در خفا هیچ التزام عملی به آنها ندارد و در نتیجه تزویر، دروغ و ریاکاری در جامعه جاری می‌شود. در حالی که در جوامع توسعه یافته راه دستیابی به مناصب قدرت، راه‌های اکتسابی هست و نیازی به تزویر و ریاکاری و دروغ پردازی و دروغ‌گویی وجود ندارد. در جوامع توسعه نیافته معیارهای انتسابی نه فقط در حوزه سیاسی بلکه در حوزه فرهنگی نیز خودنمایی می‌کنند و در مقابل، در جوامع توسعه یافته حوزه فرهنگی در یک رقابت سالم و بر اساس معیارهای اکتسابی گزینش می‌شوند.

دیوید مک کله لند مساله انگیزش را در نظریه نوسازی در قالب ویروسی ذهنی تحت عنوان «میل و نیاز به پیشرفت» مورد توجه قرار داده است. هنگامی که در شخص این ویروس حادث می‌شود وی را وادار می‌کند که به شیوه ویژه‌ای پشتکار داشته باشد. در ذهن شخص این ویروس نمودار اندیشه‌هایی است که سروکار آن‌ها با «خوب انجام دادن کاری» و یا «انجام دادن کاری به نحوی بهتر از پیش است». به نظر وی، درونی کردن «میل به پیشرفت» از طریق فرایند جامعه‌پذیری از همان اوایل زندگی افراد باید صورت بگیرد و سپس از طریق آموزش‌های لازم و مطبوعات و سایر نوشته‌ها این میل را باید تقویت کرد. میل و نیاز به پیشرفت به عنوان عامل کلیدی دارای دو جنبه است که یکی از آن‌ها فضیلتی شخصی یعنی میل به پیشرفت و دیگری فضیلتی اجتماعی است یعنی علاقه به سعادت دیگران. در نهایت معتقد است که برای احراز موفقیت‌های اقتصادی به دو عنصر روانی نیاز است که یکی از آن‌ها میل به اثبات برتری خود بر دیگران و دیگری نیاز به بالا بردن سطح رفاه عمومی است (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۷: ۲۱۷-۲۱۹). به نظر می‌رسد گرایش به دروغ‌گویی در افراد در زمینه‌ای بروز پیدا می‌کند که خواست افراد برای احراز موفقیت‌های اقتصادی در ساختار اجتماعی و اقتصادی و سیاسی‌ای که از استعداد و زمینه کافی برای برآورده کردن این خواست برخوردار نیست و به قول مرتون در توانایی تامین ابزارهای لازم برای این توفیقات اقتصادی برخوردار نمی‌باشد، رخ می‌دهد، در حالی که دو عنصر میل به اثبات برتری خود بر دیگران و نیز میل به بالا بردن سطح رفاه زندگی، در افراد جامعه در کنار آن مطرح است. تکانش‌های لازم روانی جهت سوق پیدا کردن افراد به شکستن هنجارهای اجتماعی از جمله گرایش پیدا کردن به دروغ‌گویی جهت دستیابی به این خواست‌های فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

دانیل لرنر با طرح مفهوم همدلی و شخصیت انتقالی به معنی این که شخص این توانایی را در خود ببیند که خود را در جای دیگری بگذارد در صورت شناسایی ابعاد درونی و آمادگی ذهنی افراد در پذیرش تجدد و نوآوری است. گونه‌شناسی نوسازی لرنر:

گونه‌ها	سود	شهرنشینی	وسایل ارتباط جمعی	همدلی	درجه فکر و اندیشه
مدرن و نوگرا	+	+	+	+	۱
درحال تحول و گذرا	-	---	---	+++	۲۳۴
سنتی	-	-	-	-	۵

در مجموع لرنر به ابعاد روانی‌نوسازی توجه دارد و بر عوامل فردی و درونی در هر جامعه تأکید می‌کند و معتقد است که عناصری باید از بیرون وارد جامعه سنتی شوند تا زمینه حرکت را به سوی تجدد فراهم کنند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۷: ۲۱۱).

سرمایه در نزد بوردیو<sup>۱</sup> به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره برد. سرمایه می‌تواند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین باشد. سرمایه بسته به میدانی که در آن عمل می‌کند به سه شکل اساسی ظاهر می‌شود:

سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآید. سرمایه فرهنگی اصطلاحی جامعه‌شناختی است که از زمانی که بوردیو در سال ۱۹۷۳ آن را مطرح ساخت کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد. او به همراه ژان کلود پاسرون<sup>۲</sup> اولین بار عبارت "بازتولید فرهنگی"<sup>۳</sup> و بازتولید اجتماعی<sup>۴</sup> را در عنوان اثر خود به کار بردند. سرمایه فرهنگی مشتمل بر کفایت زبانی، فرهنگی و مهارت‌های فرهنگ طبقات بالاتر است و بازنمای جمع نیروهای غیر اقتصادی مثل زمینه خانوادگی، طبقه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به آموزش و منابع مختلف است که بر موفقیت تاثیر می‌گذارد. سرمایه فرهنگی بر مبنای نظر بوردیو دو منبع دارد: نخست عادت‌واره‌ها<sup>۵</sup> در زندگی و دوم تحصیلات. از دیدگاه بوردیو تحصیلات از جمله متغیرهایی است که می‌تواند جانشین عادت‌واره شود زیرا می‌تواند به فرد سلیقه، ادب و شیوه‌هایی را بیاموزد که فرد را به منزلت خاص نزدیک می‌کند. فرد در جریان جامعه‌پذیری بسته به اینکه در چه موقعیت اجتماعی قرار دارد سرمایه فرهنگی را اخذ می‌کند و از آنجایی که توزیع سرمایه فرهنگی در جامعه به شکل برابر نیست محرومیت اکثریت افراد جامعه از این سرمایه می‌تواند آثار زیانباری داشته باشد. سرمایه فرهنگی به دلیل داشتن ذخایر معنوی، علمی، ادبی و حقوقی می‌تواند به افراد در جهت کسب منزلت کمک کرده و امکان تحرک طبقاتی را افزایش دهد و محرومیت از سرمایه فرهنگی فرد را در زندگی فردی و اجتماعی دچار مشکل کرده و امکان مشارکت فعالانه در جامعه و کسب منزلت اجتماعی را از وی می‌گیرد (علیمحمدی خانقاه و همکار ۱۳۹۸: ۷۳). به نظر بوردیو افرادی که در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی بالاتر قرار دارند، نوع مصرف کالاهای فرهنگی، منش‌ها و الگوهای متفاوتی دارند و افراد متعلق به طبقات بالا بیشتر به سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. کنشگران اجتماعی به وسیله نوع مصرف، کالاهای فرهنگی خود را طبقه بندی می‌کنند و تمایزات راهبردی را نسبت به طبقات دیگر اعمال می‌کنند (حریری اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۳۳).

در نظر بوردیو، طبقه مسلط در جامعه سرمایه داری سلطه خود را آشکار اعمال نمی‌کند. این طبقه، از قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین سود می‌برد؛ قدرتی که در سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی تجسم یافته، با جابجایی نهادها و اعمال جامعه در هم تنیده است و توسط همین نهادها باز تولید و اعمال می‌شود و کنشگران اجتماعی بر اساس نوع مصرف کالاهای فرهنگی خود را طبقه‌بندی می‌کنند و با اظهار علاقه به فرآورده‌های فرهنگی معین و ابراز سلیقه و ذوق در مورد آن قابل طبقه‌بندی هستند مصارف فرهنگی برحسب طبقات و اقشار اجتماعی متغیر است و به فضای اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، وابسته است. مصرف کالاهای فرهنگی، تا حدی تعیین کننده رفتار فرهنگی هر طبقه است (حریری اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۳۵). کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف از قبیل کتاب، روزنامه، سینما و انواع ورزش‌های خاص طبقات بالای اجتماعی مانند اسب‌سواری، گلف و... را موجب می‌شود. در واقع استفاده کنندگان از سرمایه فرهنگی در قشریندی اجتماعی در طبقه بالای اجتماع قرار می‌گیرند. دارندگان امتیازات اقتصادی که در طبقه بالای جامعه قرار دارند به راحتی به ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. سرمایه فرهنگی در اشکال مختلف وجود داشته و شامل تمایلات و عادات دیرینه‌ای است که در فرایند انباشت اشیای فرهنگی با ارزش مثل نقاشی و صلاحیت‌های تحصیلی و آموزش رسمی، حاصل آمده است. ترنر سرمایه فرهنگی را مجموعه نمادها، عادات، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی، ذوق و

1. Bourdieu  
 2. Jean-Claude Passeron  
 3. Cultural reproduction  
 4. Social reproduction  
 5. Habitual

سلیقه‌ها و شیوه‌های زندگی که به طرز غیر رسمی بین افراد شایع است، تعریف می‌کند. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه شکل می‌تواند وجود داشته باشد که عبارتند از:

بعد تجسم یافته<sup>۱</sup>، به معنای تمایلات پایدار ذهنی و جسمی و نوعی ثروت بیرونی و بخش جدایی ناپذیر از فرد است که با شخصی که در آن تجسم می‌یابد عجین شده و به صورت آمادگی مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد. این سرمایه به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی گفته می‌شود این همان بخشی است که بوردیو آن را بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه؛ خرید و یا مبادله به طور آنی به دیگری منتقل کرد. این بعد توانایی بالقوه‌ای دارد که بتدریج بخشی از وجود فرد شده و در او به تثبیت رسیده است که می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان، در شکل‌گیری یادگیری افزایش یابد (قاسمی و همکار، ۱۳۹۳: ۱۰)

بعد عینی<sup>۲</sup>، به شکل کالاهای فرهنگی «تصاویر، کتاب، لغت‌نامه، ابزار و ماشین‌آلات» مولفه‌های نرم‌افزاری (تابلوه‌های نقاشی، عضویت در کتابخانه) سخت‌افزاری (کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، دوربین و ...) می‌باشد. این بعد از سرمایه بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد، از بدیهی‌ترین نوع ابعاد سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از ویژگی آن، قابل انتقال بودن و اثر آموزشی، بردارندگان آن می‌گذارد. این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح می‌باشد و می‌تواند جنبه نمادین آن نیز حفظ شود (شارع‌پور و همکار، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

بعد نهادینه شده<sup>۳</sup>، به کمک ضوابط اجتماعی در قالب مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر فنی و حرفه‌ای می‌باشد، با قانون و مقررات نهادینه شده حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند (حسین پناهی و همکار، ۱۳۹۴: ۱۵۸). لازمه این نوع سرمایه، وجود افراد با صلاحیت و مستعد، در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی است. از طرفی، وجود نهادهایی رسمی است که این مدارک تحصیلی را صادر و به آن رسمیت بخشند. از ویژگی این سرمایه، به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از راه کاربرد آن به طریق معقول و رسمی، به سرمایه اقتصادی تبدیل نماید. این سرمایه قابل انتقال و واگذاری نمی‌باشد و بدست آوردن آن برای افراد به شرایط معینی بستگی دارد (قاسمی و همکار، ۱۳۹۳: ۱۱). افرادی که در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی بالاتری قرار دارند، نوع مصرف کالاهای فرهنگی، منش‌ها و الگوهای متفاوت دارند و از نظر تحصیلی، فرزندان این طبقات بالا هستند که بیشتر به سرمایه فرهنگی دست می‌یابند. کنشگران اجتماعی به وسیله نوع مصرف، کالاهای فرهنگی خود را طبقه‌بندی می‌کنند و تمایزات راهبردی را نسبت به طبقات دیگر اعمال می‌کنند. سرمایه اجتماعی که از تعهدات اجتماعی و ارتباطات ساخته شده و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و ممکن است به صورت اشکالی از اشرافیت درآمد (حریری‌اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۳۶). سرمایه اجتماعی، ریشه در افکار جامعه‌شناسان کلاسیک دارد. تأکید دورکیم بر بررسی همبستگی اجتماعی و خاستگاه آن و تعلق خاطر دوتوکویل<sup>۴</sup> به نهادهای مدنی<sup>۵</sup>، برجسته‌ترین نمونه‌ها به شمار می‌رود. هیچ کدام از آنها به طور مستقیم اصطلاح "سرمایه اجتماعی" را بکار نبرده‌اند. اولین بار در قرن ۲۰ این اصطلاح مورد استفاده قرار گرفت که در ابتدا، استعاره‌ای بود برای اشاره به اهمیت شبکه‌های اجتماعی. براساس آنچه پاتنام می‌گوید، این استعاره، برای بیان اینکه استفاده از ارتباطات اجتماعی به منظور همکاری، به افراد کمک می‌کند تا زندگی‌شان را بهبود بخشد، دست کم شش بار در قرن بیستم بکار رفته است (نوغانی و همکار، ۱۳۸۷: ۳۳). سرمایه اجتماعی از سه بعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی تشکیل شده است:

1. Embodied
2. Objective
3. Institutionalized
4. Dutuquil
5. Civil society organizations

الف) اعتماد اجتماعی<sup>۱</sup>: مفهومی است که در فرایند اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد. هرچه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد و گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیشتر باشند، به همان میزان روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار است. اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود و گروهی انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به خصوص اگر این اعتماد از حد مرزی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌شود. فوکویاما<sup>۲</sup> از اعتماد به مشابه شاخصی برای بیان سرمایه اجتماعی در معنای ارزش‌های جمعی شبکه‌های اجتماعی و اخلاق فرهنگی که بنیاد رشد و ثبات اقتصادی را تشکیل می‌دهند، استفاده می‌کند؛ از نظر او اعتماد انتظاری است که از یک اجتماعی برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط دوستانه و مبتنی بر تعاون و مشارکت بر می‌خیزد (نعمت‌الهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۳-۱۸۱).

ب) مشارکت اجتماعی: شرکت فعال و سازمان‌یافته افراد و گروه‌های اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... جامعه، بگونه‌ای که حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع حاصل آید. این قدرت جمعی در راستای نیل به مصالح، علایق و منافع جامعه جهت‌گیری شود از طریق مشارکت همه‌جانبه افراد و گروه‌های اجتماعی، پیوندهای و انسجام اجتماعی استحکام یابد. امکان بلوغ و شکوفایی استعدادها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آید.

ج) انسجام اجتماعی<sup>۳</sup>: به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خود، تطابق و هم‌نوازی داشته باشد و دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه را دارد. همبستگی و انسجام، احساس مسئولیت بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و حائز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود اندیشه یک وظیفه یا الزام متقابل است و یک معنای مثبت از آن بر می‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا و یا موجودات در یک کل ساخت یافته را می‌رساند. از دیدگاه جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای است که بر اساس آن در سطح یک گروه یا یک جامعه اعضا به یکدیگر وابسته و بطور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. این امر مستلزم طرد آگاهی و نفی الزام متقابل است (همان: ۲۱۷).

سرمایه اقتصادی<sup>۴</sup>: مستقیماً قابل تبدیل به پول است و ممکن است به شکل حقوق مالکیت در آید. به‌زعم بوردیو گروه‌هایی که به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند در میدان قدرت قرار می‌گیرند. میدان فضای ساختمان‌داری از جایگاه‌ها است. میدان قدرتی است که تصمیمات مشخص خود را بر کسانی که وارد آن می‌شوند تحمیل می‌کند. توزیع سرمایه که میراث منازعات پیشین است به یک معنا ساختار میدان است که در عاملان اجتماعی بنا بر استعدادهای خاص خود انواع سرمایه‌ها می‌اندیشند و عمل می‌کنند. پذیرش عاملان اجتماعی در میدان یا به قول خود بوردیو در بازی، برپایه ضوابطی صورت می‌گیرد که میدان آنها را به رسمیت شناخته است مانند تملک اشکال گوناگون سرمایه که همانا شرط‌های بازی در میدان هستند (علی‌بابایی و همکار، ۱۳۸۸: ۹۳).

نظریه پاتنام<sup>۵</sup>: سرمایه اجتماعی از دو جزء اساسی (درون‌گروهی و پیوندی) تشکیل شده، وی راس‌گیتل<sup>۶</sup> و آویس‌ویدال<sup>۷</sup> را بنیان‌گذار این تعاریف می‌داند. نوع درون‌گروهی برای بیان ارزش شبکه‌های اجتماعی همگن و نوع پیوندی برای شبکه‌های ناهمگن استفاده می‌شود. به عنوان نمونه باندهای تبهکاری سرمایه اجتماعی درون‌گروهی ایجاد می‌کنند درحالی که باشگاه‌های بولینگ نوع پیوندی ایجاد می‌کنند. سرمایه اجتماعی پیوندی می‌تواند منافع متعددی برای جوامع، دولت‌ها، اشخاص و گروه‌ها داشته باشد. پاتنام یادآور می‌شود عضو شدن در یک سازمان، احتمال مرگ افراد در سال بعد از عضویت را به نصف کاهش می‌دهد. تمایز این دو نوع به ما قدرت بیشتری در درک اثرات احتمالی منفی سرمایه اجتماعی بر کل جامعه می‌دهد. شبکه‌های افقی شهروندان و گروه‌ها که موجب افزایش بهره‌وری اجتماع و همبستگی هستند، به عنوان سرمایه

1. social trust

2. Fukuyama

3. social solidarity

4. Economic capital

5. Putnam

6. Ross Gittel

7. Avis Vidal

اجتماعی مثبت تلقی می‌شوند. درحالی که باندهای انحصارگرایی خود محور و ساختارهای لابی طبقاتی را که در خلاف منافع جمعی عمل می‌کنند، می‌توان سرمایه اجتماعی منفی و از معضلات جامعه نامید. سرمایه اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هر چه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه‌ی کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت و سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد، بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پرهزینه پیدا خواهد کرد. وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب، سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد، در نتیجه عملکرد گروه بهبود می‌یابد. پاتنام سرمایه اجتماعی را واجد هر دو بعد فردی و جمعی می‌داند و قبل از هر چیز افرادی را بهره‌مند می‌سازد که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. پاتنام در کتاب بولینگ یک نفره معتقد است که گرچه سرمایه اجتماعی درون گروهی در گروه‌های مختلف قومی، سنی، جنسی، طبقاتی و... ممکن است باعث شکل‌گیری خودهای انحصاری و تنگ نظرانه شود، سرمایه اجتماعی بین گروهی باعث اتصال افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه با هویت‌های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می‌گردد و اگر چه از هم جدا نیستند، بلکه با آمیزه‌ای از آنها در گروه‌های اجتماعی روبرو هستیم و از کم و زیاد شدن این دو نوع می‌توان بحث کرد (حسین‌پناهی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

نظریه جیمز کلن<sup>۱</sup>: سرمایه اجتماعی برای رشد عاطفی و فکری افراد مهم است؛ در طراحی الگوی نهایی به سه عنصر اساسی توجه کرد: تعهدات، انتظارات و هنجارهای همراه با ضمانت اجرایی. این ویژگی‌ها مبین این نکته هست که چگونه ساختار اجتماعی گروه می‌تواند به منزله منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. او سرمایه اجتماعی را شامل «دانش، فهم‌ها، هنجارها، قواعد و انتظارات موجود درباره الگوهای کنش متقابل» می‌داند که گروه‌ها و افراد را بسوی فعالیت‌های متناوب سوق می‌دهد (اعتمادی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲).

### پیشینه تجربی پژوهش

نتایج پژوهش خدامرادی (۱۳۹۷) نشان داد که دروغ گفتن تعاملات اجتماعی را سست و گاه قطع می‌کند، دروغ‌های دیگر را به بار می‌آورد، اعتبار اجتماعی افراد را خدشه‌دار می‌کند و روابط و تعاملات اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. پیامدهای مثبت دروغ گفتن مثل از آب کشیدن گلیم خویش و ختم غائله‌ها و پیامدهای منفی شامل سست و یا قطع شدن تعاملات اجتماعی است.

نتایج پژوهش قاسمی و محدثی گیلوایی (۱۳۹۶) نشان می‌دهد عواملی همچون «احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، روابط مردسالارانه، عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی» باعث دروغ‌گویی در بین زوج‌های ازدواج دائم و قانونی می‌شود. عوامل «تسهیل و کسب رضایت متقابل، سیاست کتمان حریم‌شناسی و عدم استقلال در زندگی منجر به دروغ‌گویی در زوج‌های نامزد می‌شود. عوامل «عدم تعهد و عدم مسئولیت‌پذیری، پیگیری خودخواهانه خواسته‌های فردی در زندگی و محدودیت‌های خانوادگی و فرهنگی» منجر به دروغ‌گویی در رابطه می‌شود. زوج‌های واجد ازدواج قانونی به دنبال عقد رسمی مسئولیت قانونی نسبت به هم دارند و سبک دروغ‌گویی آنها از نوع مفر است. در زوج‌های نامزد رابطه محدود و دروغ‌گویی، معطوف به تسهیل است. در زوج‌های هم‌خانه، رابطه غیرتام و دروغ‌گویی از نوع سلاح می‌باشد. در مقایسه بین الگوهای شناسایی شده برای سه گروه زوج، یافته‌ها نشان داد که در زوج‌های قانونی با توجه به تکیه اقتصادی زوجین به هم و تلاش برای کسب رضایت همسر نوع رابطه براساس روابط تام شکل می‌گیرد و زوج‌های قانونی در اکثر جوانب زندگی به شراکت می‌پردازند از بعد اقتصادی گرفته تا بعد عاطفی، حسی و... در این رابطه زوجین بیشترین تعامل را با یکدیگر دارند به همین دلیل، آنان زمان قابل توجهی را در ارتباط با یکدیگر سپری می‌کنند.

یافته پژوهش زنگینی (۱۳۹۶)، میانگین نمره دروغ‌گویی در بین افراد نمونه برابر ۴/۱ به دست آمد که بیانگر وجود میزان قابل توجهی از رواج دروغ‌گویی در افراد مورد بررسی بود. در بررسی ارتباط دو به دو متغیر وابسته با متغیرهای مستقل نتایج به دست آمده بیانگر تأثیر مثبت و قابل توجه متغیرهای انومی، بی‌نظمی در رفتارها، به خطر افتادن سرمایه اجتماعی و فردگرایی و همچنین تأثیر مثبت و کم متغیرهای کاهش کنترل اجتماعی و عقل ابزاری بر متغیر دروغ‌گویی بود. همچنین در بین متغیرهای مستقل متغیر انومی بیشترین میزان همبستگی را با متغیر دروغ‌گویی دانست. در پایان نتایج نشان می‌دهد که در شرایط آنومیک در ایران که حاصل گذر از جامعه سنتی به سمت جامعه مدرن می‌باشد ساختارهای سابق کارایی خود را از دست می‌دهند و ساختارهای جدید نیز هنوز شکل نگرفته اند و در این مرحله گذر بی‌ثباتی‌هایی شکل می‌گیرد که در آن در کنار ناتوانی در کنترل اجتماعی افراد با امیال نامحدود در جهت برآوردن نیازهای خویش اقدام می‌کنند و به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های کنترل امیال با رسیدن به هدف افراد برای رسیدن به اهداف خویش در صورت ضرورت به دروغ‌گویی متوسل می‌شوند که همین امر موجب گسترش بی‌اعتمادی اجتماعی و نیز بی‌تفاوتی در جامعه را فراهم می‌کند و این عوامل سبب از بین رفتن سرمایه‌های اجتماعی شد که در نهایت جامعه را در معرض آسیب‌های اجتماعی فراوان دیگری قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش صادقی (۱۳۹۵) نشان می‌دهد میانگین میزان دروغ‌گویی در بین مردم شهر اردبیل بالاتر از متوسط می‌باشد. تمامی مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی در پیش‌بینی دروغ‌گویی موثر هستند ولی سهم متغیرهای تلاش برای کسب مقبولیت و منزلت اجتماعی، هنجارسازی دروغ در جامعه، عدم اعتماد به نظام اجتماعی، آموزش نادرست خانواده و ضعف اعتقادات مذهبی بیشترین سهم را در پیش‌بینی میزان دروغ‌گویی در جامعه‌ی مورد بررسی داشته‌اند.

نتایج پژوهش محدثی‌گیلوی و فلسفی (۱۳۹۴) بیانگر این واقعیت است که زنان فارغ از مشاغل، در موقعیت تسهیل بیشترین آمادگی برای دروغ‌گویی را دارند. از چالش‌هایی که زنان با آن درگیرند تلاش برای حفظ و بهبود روابط اجتماعی‌شان است؛ از روابط زناشویی و فامیلی گرفته تا روابط دوستانه. در موقعیت دروغ‌گویی به مثابه سلاح، زنان کارمند کمتر از زنان شاغل آزاد و خانه‌دار دروغ می‌گویند. در موقعیت دروغ‌گویی به مثابه تسهیل کننده روابط اجتماعی زنان کارمند اندکی بیشتر از زنان شاغل آزاد یا خانه‌دار دروغ می‌گویند. بنابراین، می‌توان گفت زنان بیشتر به منظور کسب منفعت و سود، یا در موقعیت‌هایی که روابط اجتماعی‌شان به خطر یا در معرض فشار قرار می‌گیرند دروغ می‌گویند. زنان زن خانه‌دار بیشترین دروغ را می‌گویند و این نشان می‌دهد برای زنان زندگی خانوادگی و محیط خانواده همچنان بیشترین چالش را در بر دارد. زنان بسیاری از موقعیت‌هایی را که مربوط به دروغ ظاهراً مصلحت‌آمیز می‌شود دروغ نمی‌دانند و از گفتن این دروغ‌ها احساس ناراحتی نمی‌کنند دروغی که زنان درباره آن بیشتر از همه ابراز مخالفت کرده‌اند دروغ‌هایی است که در موقعیت‌های مشاغل آزاد و به منظور کسب سود و منفعت گفته می‌شود و این نشان می‌دهد وقتی پای دروغ‌های مهمتری در میان باشد زنان این دروغ‌ها را توجیه‌پذیر نمی‌دانند.

یافته پژوهش سدیدپورو شجاع نوری (۱۳۹۳) در کنش صادقانه تأثیر عاملیت با  $0/54 \pm 1/4$  بیش از ساختار  $1/2 \pm 0/4$  است و در کنش غیرصادقانه اهمیت ساختار  $1/3 \pm 0/4$  از عاملیت  $1/2 \pm 0/4$  بیشتر است. ۴۱/۷ درصد آموزش دیدگان به همزمانی تأثیر ساختار و عاملیت اشاره دارند. همچنین، یافته‌ها معناداری متغیرهای زمینه‌ای را تأیید می‌کند. ۴۱/۷ درصد شرکت کنندگان به تأثیرگذاری توأمان علیت و ساختار اذعان دارند. پژوهش‌های پیشین تنها به یکی از دو عامل ساختار و عاملیت توجه داشتند و بیشتر افرادی که کنش غیرصادقانه انجام می‌دهند، فرافکنی می‌کنند.

نتایج یافته‌های پژوهش قربانی (۱۳۹۲)، حاکی از آن است که خانواده یکی از نهادهای تولیدکننده پدیده اجتماعی دروغ است. دروغی که بخش جدانشدنی از رفتارهای زندگی روزمره ما شده است. بطور عمده انگیزه‌های اجتماعی و فرهنگی بستر لازم برای پیدایش و گسترش دروغ را فراهم می‌آورند. حوزه‌های دیگر مثل تاریخ، قدرت، سیاست و... در امر تکوین دروغ موثرند.

بر اساس نتایج پژوهش هارت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹)، دلایل دروغ گفتن، از جمله محافظت از دیگران، جلوگیری از مجازات، انتقام‌جویی، حریم خصوصی، جلوگیری از رویارویی، سود موثر و حفظ و تسهیل روابط. ما دریافتیم که مقیاس LiES قابل اعتماد است معیار معتبر دروغ. مقیاس ممکن است ابزاری مفید برای ارزیابی گرایش عمومی باشد و در متن متنوعی قرار بگیرند. حوزه مطالعاتی اکمن<sup>۲</sup> (۱۳۹۳) احساسات انسان‌ها، دروغ و فریب در گفتگوها و ارتباطات و مذاکره و بحث‌گریزی بودن نمایش هیجانات در چهره می‌باشد. به اعتقاد وی، نمایش احساسات در چهره‌گریزی است و از بدو تولد قادر به نمایش احساسات با استفاده از علائم، چهره و ابزارهای غیرکلامی هستیم. وی هیجانات پایه را ترس، تعجب، خشم، تحقیر، غم، انزجار عنوان می‌کند. تشخیص انگیزه دروغ‌گویی مهمتر است چون با تشخیص انگیزه یک رفتار می‌توانیم آن را مدیریت کرده و احتمال تکرار آن را در آینده کاهش دهیم. او مهمترین سرخ‌های رفتاری فریب را کشف کرده و بر اساس آنها برنامه خودآموزی ارائه نموده و آموزش می‌دهد تا «ریزنمودها» را ببینیم و تغییر کنیم، و تحقیقاتی انجام داده که مشخص می‌کنند که از روی حالت‌های چهره می‌توان دریافت که آیا احتمال دارد شخص اهل خشونت و بی‌رحمی باشد، یا نه. او برنامه خودآموزی را هم برای درک و تعبیر این نشانه‌های خطرناک ارائه کرده است. دروغ‌ها انواع مختلفی دارند، و اینکه چطور حرکات بدن، تون صدا، لحن و گفتار و حالت‌های چهره می‌توانند دروغ را افشا کنند.

هریس<sup>۳</sup> (۱۳۹۷) در کتاب "دروغ" اشاره می‌کند که ما با دروغ‌گویی امکان نگاه به جهان را آن چنان که هست از دیگران دریغ می‌کنیم. بی‌صدقتیمان نه تنها در تصمیم‌هایی که دیگران می‌گیرند، اثر می‌گذارد بلکه غالباً معین می‌کند آنها اساساً چه تصمیم‌هایی می‌توانند بگیرند. وی در قدم اول تخطی‌های اخلاقی (دروغ) را به دو دسته تقسیم می‌کند: «کارهای بدی که انجام می‌دهیم و کارهای خوبی که انجام نمی‌دهیم. هریس: «من بیشتر دروغ‌های عمدی را در کانون توجه قرار خواهم داد؛ دروغ‌گویی در آشکارترین وجهش و با بیشترین پیامدهای ناگوار». وی استدلال می‌کند که آدمی باید از دروغ مصلحت‌آمیز هم پرهیز کند؛ چراکه معتقد است وقتی اینگونه دروغ‌ها را می‌گوییم «صمیمیت، اصالت، صداقت، یک‌رویی، فهم متقابل و... دیگر ذخایر اخلاقی از آن لحظه‌ای که عامدانه عقایدمان را نادرست عرضه می‌کنیم از میان می‌روند، چه دروغمان فاش شود چه نشود». او می‌گوید آدم‌ها به دلایل گوناگونی دروغ می‌گویند؛ "دروغ می‌گویند تا شرمندگی نشوند تا در مورد موفقیت‌هایشان غلو کنند و به کارهای خلافشان لباسی مبدل بپوشانند". در جایی دیگر قوانین ناعادلانه مورد انتقاد هریس قرار می‌گیرند و علت دروغ‌گویی به گردن همین قوانین ناعادلانه گذاشته می‌شود: «از بدترین چیزها در مورد قانون‌شکنی این است که آدم را با شمار زیادی از افراد دیگر در حال خشم و خصومت نگه می‌دارد. این یکی از تأثیرات مخرب قوانین ناعادلانه است؛ قوانین ناعادلانه افرادی را که صلح‌طلب و صادق بودند وسوسه می‌کند که دروغ بگویند تا از مجازات شدن برای رفتاری که اخلاقاً جای هیچ سرزنشی ندارد بگریزند» (هریس، ۱۳۹۷: ۹۱-۱۲).

ماسیپ<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی تشخیص فریب در شرح‌های مکتوب پرداختند. آنها در واقع قصد داشتند از طریق استفاده از شرح‌های مکتوب ثابت کنند که آیا دروغ‌گوهای ماهر، می‌توانند به خوبی دروغ‌ها را تشخیص دهند یا خیر. از ۷۸ شرکت کننده خواسته شد تا با دست خط خود داستانی را بنویسند و سپس صحت داستان شرکت کننده دیگر را قضاوت کنند. شرکت کننده‌هایی که فکر می‌کردند دروغ‌گویان ماهر هستند تصور می‌کردند که می‌توانند دروغ‌ها را نیز بخوبی تشخیص دهند این پژوهش نشان داد که دروغ‌گویان ماهر نمی‌توانند بهتر از دروغ‌گویان ضعیف دروغ‌ها را تشخیص دهند.

گلاک<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی "تضاد نقش‌ها، دروغ گفتن به افراد خودی و غیر خودی در مذاکرات" به جنبه دیگر دروغ پرداخته‌اند. هدف پژوهش بررسی درستی یا نادرستی دروغ‌گویی در مذاکرات درون گروهی است. زیرا این همان فضایی است که امکان دارد هنجارها و انتظارات درون گروه با منافع شخصی تضاد پیدا کنند. هر قدر پیشنهاد کمتر عادلانه

1. Christian L Hart  
2. Ekman  
3. Harris  
4. Masip  
5. Glac

باشد، وقوع دروغ پنهان‌کننده محتمل‌تر می‌شود. برعکس، هر چقدر پیشنهاد منصفانه‌تر باشد، دروغ پنهان‌کننده با احتمال کمتری بروز می‌کند. جامعه آماری پژوهش ۴۲ دانشجوی دوره لیسانس از دانشگاه‌های شمال شرق آمریکا بودند. شرکت کنندگان به دو گروه تقریباً مساوی تقسیم شدند. هر گروه در اتفاقی مجزا نشستند و یک دستورالعمل به آنها داده شد. هر فرد باید با یک نفر از هم تیمی‌های خودش و یک نفر از اعضای یک تیم ورزشی دیگر مذاکره می‌کرد. پس از جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل اولیه آنها با آزمون T هر سه فرضیه اثبات شدند. میانگین دروغ‌ها به افراد غیرخودی بطرز معناداری بیش از میانگین دروغ‌ها به افراد خودی بود. پارامتر دروغ نخستین، پیش‌بینی‌کننده احتمال وقوع دروغ پنهان‌کننده است؛ در گروه خودی‌ها و هم غیرخودی‌ها. در نهایت دو متغیر اندازه دروغ نخستین و درک از عدالت بر یکدیگر اثر متقابل دارند.

### فرضیه پژوهش

- ۱- بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین سن و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین جنسیت و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین وضعیت تأهل و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین تحصیلات و گرایش دانشجویان به دروغ‌گویی رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی

تحقیق از نوع کاربردی و پیمایشی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز که در سال ۱۳۹۸ (۱۶۶۳۲ نفر) بوده که با استفاده از فرمول کوکران<sup>۱</sup> ۳۷۵ نفر بعنوان نمونه آماری انتخاب شدند. واحد تحلیل فرد، روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده و از ۱۱ دانشکده انتخاب شده‌اند. از هر دانشکده به اندازه نسبت دانشجو در کل جامعه آماری، نمونه در نظر گرفته شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[ \frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = n = \frac{\frac{\frac{1^2 \times 0 \cdot 0}{96} \times \frac{0 \cdot 0}{5}}{\frac{0^2}{05}}}{1 + \frac{1}{16632} \left[ \frac{\frac{1^2 \times 0 \cdot 0}{96} \times \frac{0 \cdot 0}{5}}{\frac{0^2}{05}} - 1 \right]} = 375$$

برای تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای SPSS و Amos استفاده شده است. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری و برای سنجش اعتبار از ابزار محتوایی و صوری و برای سنجش پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. پرسشنامه سرمایه اجتماعی با ۲۷ سوال و براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) ساخته شده است. سه بعد سرمایه فرهنگی «تجسم یافته، عینیت یافته، نهادینه شده» با ۱۵ سوال در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت در نظر گرفته شده است. برای سنجش سرمایه اقتصادی از ۶ سوال استفاده شد. برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار پایایی گویه‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بدست آمده است.

### تعریف متغیرها

– گرایش متغیر فردی و شخصی است که طی آن فرد انجام رفتاری را از نظر خویش ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است در این نظریه گرایش تابع دو عامل دیگر: ۱- انتظار فایده ۲- ارزیابی فایده می‌باشند. عنصر دوم، هنجارهای ذهنی است متغیر هنجار ذهنی منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام کاری احساس و ادراک می‌کند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷).

- دروغ‌گویی نوعی کنش اجتماعی عقلانی، ارادی و آگاهانه است که در شرایط اجتماعی مختلف و تحت فشارهای متفاوت و با نیت گوناگون رخ می‌دهد (محدثی‌گیلویی، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

گرایش به دروغ‌گویی در این پژوهش از طریق پرسشنامه‌ای که توسط هارت<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان "توسعه دروغ گفتن در موقعیت‌های روزمره" ارائه شده است، استخراج گردید. سوالات پرسشنامه در مقاله این محققان از لحاظ اعتبار و روایی در سطح بالای (۰/۹۴) با واریانس ۵۳/۹۶ و مقدار خاص ۲۴/۲۸ بدست آمده بودند. در پژوهش حاضر؛ آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> (۰/۷۵) و نشان دهنده سطح پایایی پرسشنامه است. برای سنجش این متغیر از ۴۵ سوال در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای «خیلی موافق تا خیلی مخالف» استفاده شده است. پس از تهیه پرسشنامه مقدماتی و پیش‌آزمون، پرسشنامه نهایی تدوین شد. برای سنجش این متغیر از آزمون رگرسیون چندگانه و آزمون پیرسون استفاده شده است.

- سرمایه اجتماعی: میزان سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم با یکدیگر بدست می‌آورند (چلپی، ۱۳۷۵: ۱۵). کل سرمایه‌های موجود در یک اقتصاد که نه فقط شامل ساختمان‌ها و ماشین‌های تولیدی می‌باشد تجهیزاتی مانند بیمارستان، آموزشگاه و صنایع دفاعی را نیز در بر می‌گیرد (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۳۵۳).

- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی انواع گوناگون دانش مشروع را در بر می‌گیرد (بوردیو به نقل از ریتزر، ۱۳۸۷: ۶۸۳). از نظر لامونت و لارو، سرمایه فرهنگی عبارتست از مجموعه‌ای از نمادهای فرهنگی نهادی شده، مشترک و عالی رتبه (بوردیو، ۱۹۸۴: ۵۳).

- سرمایه اقتصادی: بنا بر نظر بوردیو، سرمایه اقتصادی مجموعه دارایی‌هایی است که قدرت اقتصادی را تعیین می‌کند (علی بابایی و همکار، ۱۳۸۸: ۱۴).

آلفای کرونباخ	گویه‌های مربوط به متغیر وابسته
	من برای فرار از درگیری یا اختلاف نظر با افراد دیگر دروغ می‌گویم.
	من برای پنهان کردن کارهای بدی که انجام داده‌ام دروغ می‌گویم
	من دروغ می‌گویم تا درگیری با مردم نداشته باشم.
	من برای مخفی کردن چیزهای شرم آور درباره خودم دروغ می‌گویم.
	من برای جلوگیری از ایجاد شکاف در روابطم با دیگران دروغ می‌گویم.
	من دروغ می‌گویم که از مشاخره با مردم دور بمانم.
	من برای دروغ گفتن احساسات دیگران دروغ می‌گویم.
	من برای جلوگیری از عدم پذیرش دیگران دروغ می‌گویم.
	من برای اینکه دوستانه و صمیمی باشم با دیگران دروغ می‌گویم.
	من برای پنهان کردن رفتارهاییم به دیگران دروغ می‌گویم.
	من برای مجازات مردم دروغ می‌گویم.
	دروغ می‌گویم تا مردم را پایین بیاورم.
	من برای انتقام دروغ می‌گویم.
	من برای حمله به افرادی که دوست ندارم از دروغ استفاده می‌کنم.
	دروغ می‌گویم تا صدمه دیده، اذیت یا ناراحت دیگران شوم.
	دروغ می‌گویم چون هیجان انگیز است.
	من به مردم دروغ می‌گویم زیرا سرگرم کننده است.
	من فقط به خاطر جالب بودن دروغ می‌گویم.
	من برای سرگرمی خودم به دیگران دروغ می‌گویم.

1. Hart

2. Cronbach's alpha

۰/۷۵۲	من برای جلب توجه یا حمایت دیگران دروغ می‌گویم.
	دروغ می‌گویم چون دوست دارم دلقک باشم و شوخی کنم.
	من برای پیشرفت در زندگی دروغ می‌گویم.
	من برای رسیدن به آنچه می‌خواهم دروغ می‌گویم.
	من برای بدست آوردن مزیت یا مزیت دروغ می‌گویم.
	من برای نگه داشتن آنچه مال من است دروغ می‌گویم.
	من برای اجتناب از مسئولیت کارهایی که انجام داده ام دروغ می‌گویم.
	من دروغ می‌گویم، زیرا گاهی اوقات حقیقت تجارت کسی نیست بلکه مال من است.
	من دروغ می‌گویم، زیرا بعضی اوقات دوست ندارم درباره خودم چیزهای زیادی به اشتراک بگذارم.
	من دروغ می‌گویم چون دوست دارم چیزهای خودم را حفظ کنم.
۰/۸۲۴	من دروغ می‌گویم تا خودم را بهتر از آنچه در واقع هستم به نظر بیاورم.
	من برای جلوگیری از اتهامات انجام کار اشتباه، دروغ می‌گویم.
	من برای تقویت چگونگی مشاهده مردم از من دروغ می‌گویم.
	دروغ می‌گویم تا بتوانم از مجازات یا سرزنش خودداری کنم.
	برای جلوگیری از پایان روابط، به دیگران دروغ می‌گویم.
	برای حفظ دوستی که دارم دروغ می‌گویم.
	من برای تقویت یا محافظت از روابط شخصی به مردم دروغ می‌گویم.
	من برای نجات روابط در زندگی، دروغ می‌گویم.
	من برای جلوگیری از خجالت دروغ می‌گویم.
	من برای اینکه مودب و مؤدب باشم دروغ می‌گویم.
	برای اینکه مردم احساس بهتری نسبت به خود داشته باشند، دروغ‌های کمی می‌گویم.
	دروغ می‌گویم وقتی کاملاً صادقانه به احساسات کسی آسیب برساند.
	من برای محافظت از حریم شخصی دروغ می‌گویم.
	من به منظور ایجاد احساس بهتر مردم دروغ می‌گویم.
	من برای محافظت از دیگران از نگرانی یا احساس ناراحتی دروغ می‌گویم.
	من دروغ می‌گویم، زیرا نمی‌خواهم اطلاعات شخصی را به اشتراک بگذارم.
	<b>گویه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی</b>
۰/۸۲۴	شما تا چه حد با دوستان، همکاران و سایر اهالی محله‌ی خود احساس تعلق و همدلی می‌کنید؟
	شما تا چه حد در یک سال گذشته، در فعالیت‌های جمعی نظیر عروسی یا عزاداری کارهای تفریحی و معاملات اقتصادی دوستان، همکاران و سایر اهالی محله شرکت کرده‌اید؟
	شما تا چه حد با افراد هم قوم و هم مذهب خود احساس دوستی و تعلق و همدلی می‌کنید؟
	شما تا چه حد با اعضای خانواده و خویشاوندان احساس تعلق و همدلی می‌کنید؟
	به نظر شما اگر مشکل مادی مثل نیاز شدید مالی، تصادف، وقوع زلزله و سیل و برای افراد هم قوم و هم مذهبی پیش آید و من بتوانم آن را بر طرف کنم برای حل آن مشکل همکاری و مشارکت می‌کنید؟
	به نظر شما اگر مشکل مادی مثل نیاز شدید مالی، تصادف، وقوع زلزله و سیل برای دوستان، همکاران، همسایگان و اهالی محله پیش آید و شما بتوانید آن را بر طرف کنید برای حل آن مشکل همکاری و مشارکت می‌کنید؟
	تا چه میزان عدم تمایل به کارهای گروهی دارید؟
	تا چه میزان گرایش به ورزش‌های گروهی دارید؟
	تا چه حد میل به فعالیت‌های مشارکتی را دارید؟
	به نظر شما تا چه حد میل به مشورت با دیگران در مشکلات روزمره وجود دارد؟
	به نظر شما تا چه حد میل به تبادل اطلاعات با دیگران وجود دارد؟
	به نظر تان تا چه حد تعداد افراد قابل اعتماد در جهان انگشت شمارند؟
به نظر شما تا چه حد افراد مورد اعتماد وجود ندارد؟	

	به نظر تان تا چه حدی اعتماد فردی به دیگران وجود ندارد؟
	به نظر تان تا چه حد اعتماد به افراد نزدیک از جمله دوستان وجود ندارد؟
	به نظر تان تا چه حد دروغ و ریا در نزد همه‌ی افراد رواج دارد؟
	به نظر تان تا چه حد هر کس به فکر خویش است؟
	به نظر شما تا چه حد بی‌اعتمادی در جوامع امروزی نسبت به جوامع گذشته افزایش یافته است؟
	به نظر شما تا چه حد در کل، افراد جامعه غیر قابل اعتمادند؟
	تا چه حد به افراد هم قوم و هم مذهب خود اعتماد دارید؟
	تا چه حد به دوستان، همکاران، همسایگان و سایر اهالی محله اعتماد دارید؟
	تا چه حد به اعضای خانواده و خویشاوندان اعتماد دارید؟
	به نظر شما تا چه حد اطمینان در مبادلات وجود ندارد؟
	به نظر شما تا چه حد اطمینان خاطر در روابط باز با دیگران وجود دارد؟
	به نظر شما تا چه حد احساس روابط افراد بر مبنای سود و منفعت شخصی است؟
	به نظر شما تا چه حد میل به امین بودن در نزد دیگران وجود دارد؟
	به نظر شما تا چه حد میل به مورد اعتماد بودن در نزد سایر افراد وجود دارد؟
	<b>گویه‌های مربوط به سرمایه اقتصادی = ۷۴۷/۰</b>
	نوع اتومبیل خانواده... .. - قیمت تقریبی اتومبیل... .. نداریم <input type="checkbox"/> کمتر از ۴۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۴۰-۹۰ میلیون <input type="checkbox"/> ۹۰-۱۴۰ میلیون <input type="checkbox"/> ۱۴۰-۱۹۰ میلیون <input type="checkbox"/> ۱۹۰-۲۴۰ میلیون <input type="checkbox"/> ۲۴۰ میلیون به بالا <input type="checkbox"/>
	میزان درآمد ماهانه شما چقدر است؟ زیر ۱/۵ میلیون <input type="checkbox"/> بین ۱/۵ میلیون تا ۳ میلیون <input type="checkbox"/> بین ۳ تا ۵ میلیون <input type="checkbox"/> بین ۵ تا ۷ میلیون <input type="checkbox"/> ۷ تا ۹ میلیون <input type="checkbox"/> ۹-۱۱ میلیون <input type="checkbox"/> بالای ۱۱ میلیون <input type="checkbox"/>
	اگر املاکی غیر از منزل مسکونی دارید ارزش آن چقدر است؟ نداریم <input type="checkbox"/> زیر ۵۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۵۰۰-۱۰۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۱۰۰-۱۵۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۱۵۰-۲۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۲۰۰-۲۵۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۲۵۰-۳۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۳۰۰-۴۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۴۰۰-۶۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/>
	ارزش اسباب و اثاثیه و وسایل خانه شما تا چه حد می‌باشد؟ زیر ۵۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۵۰-۱۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۱۰۰-۱۵۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۱۵۰-۲۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۲۰۰-۲۵۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۲۵۰-۳۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۳۰۰-۴۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۴۰۰-۶۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/>
	اگر طلا و جواهرات در منزل دارید ارزش آن‌ها چقدر است؟ نداریم <input type="checkbox"/> زیر ۲۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۲۰-۴۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۴۰-۶۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۶۰-۸۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> ۸۰-۱۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/> بالای ۱۰۰ میلیون تومان <input type="checkbox"/>
	<b>گویه‌های مربوط به سرمایه فرهنگی</b>
	میزان مهارت شما در انتقال مفاهیم چقدر است؟
	میزان توانایی شما در پاسخگویی به سوالات فی‌البداهه چقدر است؟
	شما چقدر مطالب را به صورت سهل و آسان ارائه می‌دهید؟
	شما تا چه حد مطالب جدید بدون مشکل بیان می‌کنید؟
	چقدر شما تلاش می‌کنید مطالب درسی را به دوستانتان بفهمانید؟
	شما تا چه حد اسناد فرهنگی-هنری ثبت شده به نام خود دارید؟
۰/۸۷۱	شما تا چه حد کارت عضویت در مراکز و موسسات و نهادهای فرهنگی گوناگون را دارید؟
	شما تا چه حد علاقمند به تماشای فیلم‌های هنری هستید؟
	شما تا چه حد از موزه یا نمایشگاه‌های هنری بازدید می‌کنید؟
	شما تا چه حد کتاب‌های غیر درسی موجود در خانه دارید؟
	شما در منزل چه حد آثار هنری از قبیل نقاشی و مجسمه دارید؟
	شما تا چه میزان به تماشای تئاتر علاقه دارید؟
	شما تا چه میزان به موسیقی علاقه دارید؟
	شما تا چه میزان به نویسندگی و شاعری علاقه دارید؟
	شما تا چه میزان به نقاشی و خطاطی علاقه دارید؟



## یافته‌ها

جدول شماره ۱: یافته‌های توصیفی

متغیر	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل
سرمایه اجتماعی	۱۲/۴۱	۹۴/۶۳	۱۳۰	۲۷
همدلی	۴/۳۱	۱۴/۱۶	۲۰	۴
مشارکت و همکاری	۵/۳۴۴	۲۳/۷۰۶	۳۵	۵
قابلیت اعتماد داشتن	۸/۲۱۹	۵۶/۴۲۹	۷۹	۱۶
سرمایه فرهنگی	۱۳/۴۱	۵۰/۶۴	۷۵	۱۷
تجسم یافته	۴/۵۸۹	۲۳/۶۶	۳۰	۱۱
عینیت یافته	۶/۸۷۳	۲۲/۵۳	۳۵	۷
نهادینه شده	۲/۱۴۲	۶/۱۶۰	۱۰	۲
سرمایه اقتصادی	۸/۰۵۶	۱۸/۸۸	۴۲	۶

برای مقایسه گرایش به دروغ‌گویی در بین دانشجویان دختر و پسر از آزمون تفاوت میانگین مستقل استفاده شد که تفاوت معناداری مشاهده نشد.

جدول شماره ۲: مقایسه میزان گرایش به دروغ‌گویی براساس جنسیت دانشجویان

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
پسر	۱۸۰	۱۴۳/۹۲	۹/۹۴۵	۰/۷۴۱	۰/۰۷۴	۳۷۳	۰/۹۴۱
دختر	۱۹۵	۱۴۳/۹۹	۹/۱۰۶	۰/۶۵۲			

جدول شماره ۳: مقایسه میزان گرایش به دروغ‌گویی براساس متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	گزینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
میزان تحصیلات	کاردانی	۲۲	۱۴۴/۰۴	۹/۸۵۳	۲/۰۰۴	۰/۱۱۳
	کارشناسی	۱۱۹	۱۴۵/۶۱	۹/۴۴۴		
	کارشناسی‌ارشد	۱۲۵	۱۴۳/۵۲	۹/۶۰۳		
	دکتر	۱۰۹	۱۴۲/۶۴	۹/۲۵۶		
	کل	۳۷۵	۱۴۳/۹۶	۹/۵۰۵		
سن	زیر ۲۰ سال	۳۵	۱۴۶/۴۱	۹/۲۷۷	۱/۸۰۵	۰/۱۴۶
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۹۲	۱۴۴/۳۵	۹/۵۵۰		
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۲۰	۱۴۲/۵۳	۹/۴۱۳		
	بالای ۴۱ سال	۲۸	۱۴۴/۳۲	۹/۴۵۹		
	کل	۳۷۵	۱۴۳/۹۶	۹/۵۰۵		
وضعیت تاهل	مجرد	۱۹۲	۱۴۳/۱۰	۹/۵۳۱	۲/۴۴۶	۰/۰۸۸
	متاهل	۱۷۲	۱۴۵/۰۸	۹/۳۶۰		
	طلاق گرفته	۱۱	۱۴۱/۲۷	۱۰/۱۰۰		
	کل	۳۷۵	۱۴۳/۹۶	۹/۵۰۵		

سن و تحصیلات از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق است که در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده‌اند و برای آزمون رابطه بین آنها با گرایش به دروغ‌گویی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. طبق جدول (۳) نتایج نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات و سن دانشجویان با گرایش آنها به دروغ‌گویی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت ( $P > 0/05$ ). همچنین وضعیت تأهل نیز بعنوان یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای تحقیق در مقیاس اسمی چندحالتی سنجیده شد و برای آزمون رابطه آن با گرایش به دروغ‌گویی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. یافته‌ها بیانگر آن بود که میزان گرایش به دروغ‌گویی براساس وضعیت تأهل دانشجویان متفاوت نبوده است ( $P > 0/05$ ).

جدول شماره ۴: همبستگی بین متغیرها

متغیرهای مستقل	R	P	رابطه
سرمایه اجتماعی	-۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	معکوس و خیلی ضعیف
همدلی	-۰/۱۷۲	۰/۰۰۱	معکوس و خیلی ضعیف
مشارکت و همکاری	-۰/۱۳۸	۰/۰۰۸	معکوس و خیلی ضعیف
قابلیت اعتماد داشتن	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	معکوس و ضعیف
سرمایه فرهنگی	-۰/۲۹۵	۰/۰۰۰	معکوس و ضعیف
تجسم یافته	-۰/۲۴۱	۰/۰۰۰	معکوس و ضعیف
عینیت یافته	۰/۰۰۱	۰/۹۹	وجود ندارد
نهادینه شده	-۰/۰۹۴	۰/۰۷	وجود ندارد
سرمایه اقتصادی	-۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	معکوس و ضعیف

نتایج حاصل از همبستگی بین متغیرها نشان داد که بین سرمایه اقتصادی و ابعاد سرمایه اجتماعی و بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی با گرایش به دروغ‌گویی رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد.

برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای پیش بین (ابعاد سرمایه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی) بر گرایش به دروغ‌گویی از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. برای تبیین گرایش به دروغ‌گویی به‌عنوان متغیر ملاک، متغیرهای پژوهش شامل ابعاد سرمایه اجتماعی و فرهنگی و سرمایه اقتصادی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شدند. نتایج نشان داد متغیرهای سرمایه اقتصادی، مشارکت و همکاری اجتماعی و قابلیت اعتماد داشتن به‌عنوان مولفه‌های سرمایه اجتماعی و ابعاد تجسم یافته و عینیت یافته سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیرهای اثرگذار در الگو باقی مانده است. به منظور آزمون استقلال خطاها در بین متغیرهای پیش‌بین، ارزش شاخص دوربین واتسون مورد بررسی قرار گرفت و ارزش شاخص مذکور ۱/۵ بود. با توجه به ارزش شاخص محاسبه شده، می‌توان گفت مفروضه استقلال خطاها نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار است. ضریب همبستگی چندگانه این عوامل، برابر ۰/۴۴۴ و ضریب تعیین برابر ۰/۱۹۸ و ضریب تعیین خالص برابر ۰/۱۸۷ به‌دست آمده است، یعنی سرمایه اقتصادی و ابعاد سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به میزان ۱۹ درصد گرایش به دروغ‌گویی را در دانشجویان تبیین می‌کنند و ۸۱ درصد از واریانس گرایش به دروغ‌گویی در دانشجویان توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می‌باشد.

جدول شماره ۵: ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش گام‌به‌گام

Sig	t	ضرایب خام		متغیرهای پیش‌بین
		Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۴۴/۹۶		۳/۷۷۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۶/۵۷۴	-۰/۳۱۵	۰/۰۵۷	سرمایه اقتصادی
۰/۰۰۰	۴/۰۱۱	-۰/۲۰۳	۰/۱۰۵	سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۰۰۲	۳/۱۸۲	-۰/۱۵۶	۰/۰۸۷	مشارکت و همکاری اجتماعی
۰/۰۰۵	۲/۸۲۱	۰/۱۴۰	۰/۰۶۹	سرمایه فرهنگی عینیت یافته

قابلیت اعتماد داشتن	-۰/۱۱۸	۰/۰۵۸	-۰/۱۰۲	۲/۰۲۶	۰/۰۴۳
---------------------	--------	-------	--------	-------	-------

به منظور بررسی آزمون فرضیه اصلی مبتنی بر تأثیر سرمایه‌های سه‌گانه بر گرایش به دروغ‌گویی از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. برآورد حداکثر درست‌نمایی<sup>۱</sup> برای برآورد پارامترهای بدست‌آمده از روابط متغیرهای پیش‌بین یا مستقل بکار گرفته شد. جهت تعیین برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت:

۱- مقدار مجذور کای ( $X^2$ )

۲- شاخص هنجار شده مجذور کای ( $X^2/df$ )

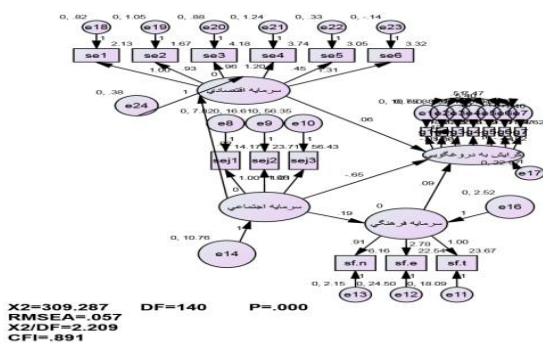
۳- شاخص برازندگی هنجار شده (NFI)

۴- شاخص برازش تطبیقی (CFI)

۵- جذر میانگین مجزورات خطای تقریب RMSEA. قبل از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد.

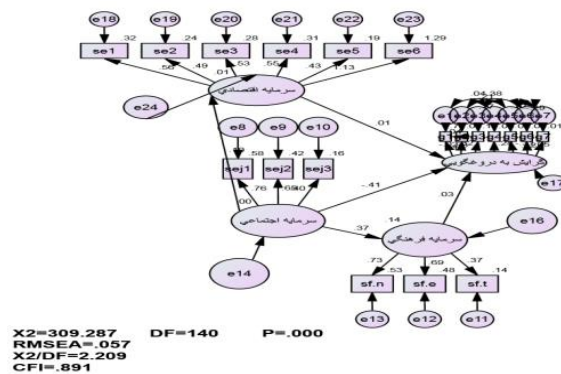
برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی استفاده شد. شاخص‌های مذکور نشان دادند که مدل پیشنهادی محقق از چند شاخص برازندگی قابل قبول برخوردار است، اما میزان برازندگی در شاخص  $RAMSEA=0.071$  در حد متوسط و نیاز به اصلاح دارد؛ با استفاده از شاخص‌های تعدیل و اصلاح<sup>۲</sup>، دوباره الگوی موردنظر برازش شد و میزان برازش الگو افزایش یافت. شاخص‌های نکویی برازش بدست آمده برای مدل تحقیق نشان می‌دهد، که مقدار کای دو در مدل  $X^2=309.287$  با درجه آزادی  $df=140$  بدست آمده است. شاخص برازش مدل CFI برابر  $0.891$ ، نمایانگر برازش خوب مدل می‌باشد و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA برابر  $0.057$  شد که برازش خوبی را نشان می‌دهد و با توجه به شاخص‌های ارائه شده، مدل فوق تأیید می‌شود، چرا که اندازه‌های کمتر از  $0.08$  به معنای برازش خوب،  $0.08$  تا  $0.10$  برازش متوسط و بیش از  $0.10$  برازش ضعیف است. در ادامه ابتدا ضرایب مسیر استاندارد شده و سپس ضرایب استاندارد نشده مدل اصلاحی در نمودارهای زیر ارائه شده است.

#### استاندارد نشده



#### استاندارد شده

1. Maximum Likelihood
2. Modification Indices-MI



## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی با گرایش به دروغ‌گویی در میان دانشجویان انجام شده است. دروغ در جامعه حالت سیستماتیک دارد و در ابعاد و زمینه‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. یافته‌های این مقاله با دیدگاه بورديو تبیین می‌شود. به تعبیر بورديو، اگر در صدد فهم جهان هستیم باید ایده سرمایه و انباشت آن و همچنین تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم. در پاسخ به سوال و فرضیه تحقیق می‌توان گفت که در گرایش به دروغ‌گویی سرمایه‌ها نقش معکوس داشتند.

– طبق رهیافت تئوریک بورديو و طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، بین سرمایه اجتماعی و گرایش به دروغ‌گویی رابطه معکوس وجود دارد؛ هر چقدر سرمایه اجتماعی بیشتر باشد به همان میزان دروغ‌گویی کمتر خواهد بود. نتایج این فرضیه با یافته پژوهش زنگینی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد. سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی از سال‌ها قبل دچار فرسایشی جدی شده است؛ بطوریکه با تغییر قواعد جامعه از سنتی به مدرن سرمایه اجتماعی سنتی روبه‌کاهش گذاشته، اما سرمایه اجتماعی جدید جایگزین آن نشده و دست جامعه از این نوع سرمایه نیز خالی مانده است. سرمایه‌ها نقش مهمی در پیشرفت و رشد اقتصادی و اجتماعی یک جامعه دارند. مشکلات اجتماعی نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی است سرمایه‌ای که اگر وجود داشت قادر بود کنش‌ها را در زندگی اجتماعی بارور سازد. در هر جامعه‌ای که شاهد میزان پائین سرمایه اجتماعی باشیم قاعدتاً بایستی شاهد بروز آسیب و انحرافات اجتماعی بیشتری باشیم. همچنین نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی، شکاف طبقاتی را افزایش داده و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازمندی‌های خود نمی‌شوند و سعی می‌کنند با توسل به وسایل مختلف در راستای هدف‌گذاری‌های جامعه حرکت نکنند که در نتیجه انواع انحرافات اجتماعی از جمله «دروغ» شکل می‌گیرد.

– مطابق رهیافت تئوریک بورديو و طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور بین سرمایه فرهنگی و گرایش به دروغ‌گویی رابطه معکوس وجود دارد. هر چقدر میزان سرمایه فرهنگی بیشتر باشد، گرایش به دروغ‌گویی نیز کمتر خواهد بود و بر عکس. نتایج این فرضیه با یافته‌های پژوهش قربانی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

تحول اساسی در حوزه سرمایه فرهنگی اتفاق افتاده است از آنجا که این سرمایه را می‌توان در میدان اجتماعی تبدیل کرده و از آن استفاده کرد، افزایش سرمایه فرهنگی جوانان باعث بازتعریف برخی از قواعد در حوزه خصوصی و عمومی می‌شود. سرمایه فرهنگی نوعاً به‌وسیله صلاحیت‌های اجتماعی مشخص می‌گردد، سرمایه اقتصادی عمدتاً اما نه منحصرأً مادی است، درحالی‌که سرمایه فرهنگی نیز عمدتاً اما نه منحصرأً ذهنی است.

در اختیار داشتن و یا نداشتن سرمایه فرهنگی به شکل‌گیری ذائقه و عادت واره منجر می‌شود که فرد را به سمت ارتکاب یا خودداری از ارتکاب رفتارهای منحرف (دروغ) همانند رفتارهای اجتماعی دیگری که تحت تاثیر عادت واره‌ها شکل می‌گیرند، سوق می‌دهد. طبق نظریه بورديو، فعالیت‌های اجتماعی انسان تحت تاثیر میدان و عادت واره‌هایی است که ساختار ذهنی فرد را شکل بخشیده‌اند. در زمینه خودداری از سرمایه فرهنگی افرادی که از تحصیلات پائین‌تری برخوردار هستند از کالاهای فرهنگی کمتری استفاده می‌نمایند، ترجیحات زیباشناسانه متفاوتی با گروهی دارند که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردارند

و چنین تفاوت‌هایی در برخورداری از سرمایه فرهنگی، می‌تواند دروغ را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در شرایط فعلی که نابسامانی وجود دارد دروغ همگانی تزریق می‌شد مشکلی که باعث می‌شود دروغ بیشتر همگانی شود طبق تئوری مرتون عدم همکاری اهداف با وسایل است یا همان ارزش‌های مادی افراد است که نه تنها تغییر نکرد بلکه بیشتر هم شد. در بسیاری از موارد نهادها در حال تولید دروغ هستند نه به صورت آگاهانه بلکه به صورت پنهان به مردم آموزش می‌دهند و نمی‌دانند چطور موجب ایجاد شکاف در اعتماد اجتماعی و رواج دروغ در جامعه می‌شوند. نابرابری شدید در توزیع سرمایه فرهنگی می‌تواند پیامدهای نامطلوب «محرومیت اکثریت اعضای جامعه در دسترسی به منابع معرفتی، محدود شدن امکان بسط خردگرایی تعمیم یافته در عرصه‌های مختلف زندگی، نزول سطح مشارکت همگانی موثر در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، و...» مطابق رهیافت تئوریک بوردیو و طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، بین سرمایه اقتصادی و گرایش به دروغ‌گویی رابطه معکوس وجود دارد؛ هر چقدر میزان سرمایه اقتصادی فرد بیشتر باشد گرایش به دروغ‌گویی کمتر خواهد بود و برعکس. سرمایه اقتصادی هم بطور مستقیم و هم بطور غیرمستقیم با عنصر اساسی جامعه «منسجم» رابطه دارد. با بوجود آمدن اختلال در اقتصاد «تورم، نابرابری، نابرابری درآمد، بیکاری و...» می‌تواند منجر به بی‌نظمی و آسیب اجتماعی از جمله «دروغ» گردد. یافته این فرضیه با یافته پژوهش گیلوایی و قاسمی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

پس همان‌طور که یافته‌ها گویای آن است سرمایه‌ها یکی از مهم‌ترین خواسته‌های انسان است و تنها به دست آوردن سرمایه‌ها کافی نیست و مساله‌ی مهم نگهداشتن این سرمایه‌ها و جلوگیری از فرسودگی آن‌ها در دوران گذر جوامع از یک دوره به دوره دیگر است.

## پیشنهادها

از تجربه‌های بدست آمده در فرایند این پژوهش ظهور و بروز یک سری موضوع‌های جدید و کلیدی از دل موضوع کلی پژوهش است که از نظر موضوعی محدودتر از پژوهش حاضرند اما محدود بودن آنها نه تنها از علمی بودن آنها نمی‌کاهد که عمق مطالعه را چندین برابر می‌کند. به‌عنوان مثال، پژوهشگران علاقمند می‌توانند به دروغ در نظام‌ها بپردازند اینکه مثلاً در نظام سیاسی، نظام اقتصادی و... ما چه جایگاهی دارد و چه تأثیری بر فردای اجتماعی جامعه می‌گذارد. در راستای توسعه تحقیقات آتی در این حوزه موضوعی پیشنهاد می‌شود پژوهشگران تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی و فرهنگی را از طریق مطالعه کیفی شناسایی و مورد بررسی قرار دهند. برای بهبود روابط اجتماعی با دیگران هر فرد باید از خود شروع نماید و ابتدا به اصلاح خود بپردازد. بسیاری از مشکلات ناشی از آن است که افراد نمی‌خواهند کار را از حل مسائل مربوط به خود شروع کنند. با تکیه بر اصلاح خود می‌توان روابط اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را بهبود بخشید. با توجه به اینکه تأثیر سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر گرایش به دروغ‌گویی مورد تایید قرار گرفت، پیشنهاد می‌شود نهادهای مرتبط دولتی و خصوصی در جهت افزایش سرمایه‌های مذکور تلاش کرده و آنها را تقویت بکنند. ضعف سرمایه‌های مذکور نوعی محرومیت به‌شمار می‌رود که در زندگی افراد تأثیر منفی می‌گذارد در نتیجه جامعه باید راهکارها و برنامه‌هایی را از طریق نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی به‌منظور تقویت مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میان افراد جامعه به خصوص جوانان به اجرا در بیاورد.

## منابع

- اعتمادی فرد، مهدی، لطفی چاچکی، بهنام، مهدی‌زاده، منصوره (۱۳۹۴) تأثیر سرمایه اجتماعی خانوادگی بر انحرافات اجتماعی، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۶، شماره ۳، صص ۵-۲۵.
- اکمن، پ ل (۱۳۹۳) *دروغ سرآمد تمام بدی‌ها: رفتارشناسی دروغ*، ترجمه نگین کشاورزبان، تهران: آینده درخشان، ص ۱۵۸.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۷) *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کیهان.
- بخارایی، احمد (۱۳۹۳) *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*، تهران: جامعه‌شناسان، چاپ سوم، صص ۵۰۰-۵۰۲.

- بورديو، پی (۱۳۹۶) *ساختارهای اجتماعی اقتصاد*، تهران: اختران.
- برگر، پیتر، توماس لاکمن (۱۳۸۷) *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی ساخت*، مترجم: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خداوردی، عرفان (۱۳۹۷) *درک معنایی دروغ در زندگی روزمره مردم تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی.
- حسین‌پناهی، مهرداد، ساعی ارسى، ایرج، ودیعه، ساسان (۱۳۹۴) تأثیر سرمایه اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (معلمان استان همدان و شهرستانهای تابعه)، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۷۷.
- حریری اکبری، محمد، صالح‌نژاد، حسن (۱۳۹۴) سرمایه فرهنگی سدی در برابر بیگانگی اجتماعی (دانش‌آموزان شهرستان سقز)، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۶.
- چلیبی، مسعود (۱۳۹۱) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹) *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳) *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- زنگینی، مهدی (۱۳۹۶) *بررسی عوامل اجتماعی موثر بر اخلاق گریزی (دروغ‌گویی) با تأکید بر پیامدهای آن (بی‌تفاوتی و بی‌اعتمادی اجتماعی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سیدیپور، سمانه‌سادات، شجاع‌نوری، فروغ الصباح (۱۳۹۳) کنش صادقانه و عوامل موثر بر آن: رویارویی عاملیت و ساختار در نهاد علم، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۲۱۳.
- شارع‌پور، محمود، خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱) رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صص ۱۳۳-۱۴۰.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹) *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، کتاب دوم.
- صادقی، هاشم (۱۳۹۵) *بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر دروغ‌گویی در اردبیل*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، دانشکده‌ی علوم اجتماعی.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰) *آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: سمت، چاپ هفتم.
- صدا و سیما (۱۳۷۴) *نظرسنجی از مردم تهران درباره خصوصیات ایرانی‌ها*، طرح پژوهشی، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- علی‌بابایی، یحیی، باینگانی، بهمن (۱۳۸۹) بررسی میزان تأثیر سرمایه اقتصادی و اجتماعی بر سرمایه فرهنگی (جوانان شهرستان پاوه)، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۶، شماره ۱۸، صص ۱۱۳-۸۷.
- علیمحمدی خانقاه، آذر، عزیززاده اقدم، محمدباقر (۱۳۹۸) بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با بیگانگی اجتماعی-فرهنگی در بین جوانان شهر تبریز، *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۷۱-۸۸.
- فراسخو، مقصود (۱۳۹۴) *ما ایرانیان «زمینه‌کاو تاریخی و اجتماعی خلیفات ایرانی»*، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم، ویراست دوم.
- قاسمی، محمد، نامدار جویمی (۱۳۹۳) بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و نمادین (دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)، *فرهنگ ایلام*، دوره ۱۵، شماره ۴۴، صص ۱۵-۲.
- قربانی، پرستو، (۱۳۹۲) *ساخت اجتماعی دروغ گفتن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشکده علوم و فرهنگ.
- محدثی‌گیلواپی، حسن، فلسفی، دریا (۱۳۹۴) تحلیلی جامعه‌شناختی از آمادگی برای دروغ‌گویی، پژوهشنامه زنان، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال ششم، شماره اول، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- کلاتتری، صمد، عباس‌زاده، محمد، امین‌مظفری، فاروق، راکعی‌بناب، ندا (۱۳۸۸) بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پای (۳۷)، صص ۱۰۴-۸۳.
- محدثی‌گیلواپی، حسن، قاسمی، سمیه (۱۳۹۶) مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط بیناجنسی مورد زوج‌های تهران «۱۳۹۵-۱۳۹۶»، *پژوهشنامه زنان*، سال هشتم، شماره سوم، صص ۸۷-۱۱۶.
- مرادی، گلرمد، سعیدی‌پور، بهمن (۱۳۸۹) بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه براساس نظریه نظریه تعامل‌گرایی بلومر، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص ۱۹۱-۱۶۳.
- نوغانی، محسن، اصغر پورماسوله، احمد رضا (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی، *فرایند مدیریت و توسعه*، شماره ۶۹، صص ۳۲-۵۵.
- نعمت‌الهی، زهرا، فرج‌الهی، امیرحمزه، میرجلیلی، محمدحسین، مومنی‌فرد، حسین (۱۳۹۲) بررسی عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه افسری امام علی (ع)، *فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی*، شماره ۵۰، سال ۱۳، صص ۱۷۵-۲۰۲.
- هریس، سام (۱۳۹۷) *دروغ‌گویی*، ترجمه مینو پرنیانی، تهران: آشیان.

## References

- Hart, Christian L, Terrizzi, Jr, John., Curtis Drew A. (2019). Development of the Lying in Everyday Situations Scale, *The American J of Psychology*. 343-352.
- Bourdieu. Pierre, (1984) *Distinction, A social critique of the judgments of taste*. London.
- Glac, K., Warren, D. E., & Chen, Ch. C. (2012), *Conflict in roles: Lying to the ingroup versus the out-group in negotiations*, Sage Publications: 227-245.
- Masip, J., Bethencourt, M., Lucas, G., Segundo, M.S. & Carmen H. (2013). Deception Detection from Written Accounts. *Scandinavian Journal of Psychology*. 2, Volume 53, 103-111.

## Interaction between social, cultural and economic capital with a tendency to lie among students

Rogaye Velayati\*<sup>1</sup> | Davood Ebrahimpoor<sup>2</sup> |

Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam<sup>3</sup>  | Mohammad Abbaszadeh<sup>4</sup> 

1. PhD Candidate in Sociology, Department of Social Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, Iran. Email: [velayati90@yahoo.com](mailto:velayati90@yahoo.com)
2. Corresponding Author\*, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: [ebrahimpoor@iaut.ac.ir](mailto:ebrahimpoor@iaut.ac.ir)
3. Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: [m.alizadeh@tabrizu.ac.ir](mailto:m.alizadeh@tabrizu.ac.ir)
4. Professor and faculty member of Sociological Sciences at University of Tabriz, Iran. Email: [M.abbaszadeh2014@gmail.com](mailto:M.abbaszadeh2014@gmail.com)

### ARTICLE INFO

#### Article type:

Research Paper

#### Article History:

Received: March 2021

Accepted: October 2022

#### Keywords:

lying, social, economic, cultural capital, students, Tabriz

### ABSTRACT

**Introduction:** Lying is a social thing, because it is realized in human and social relations. We always lie by imagining the presence and existence of another. Lying is a cultural and negative social phenomenon of morally unpleasant traits that unfortunately is common among people today. The purpose of this study is to investigate the relationship between social, cultural and economic capital with a tendency to lie. Research method, Descriptive-correlation, statistical population, students of Islamic Azad University of Tabriz with a sample size of 375 people were obtained by stratified method.

**Methodology:** The method of collection was a questionnaire with content and face validity and its reliability was obtained with Cronbach's alpha. In the theoretical framework of the research, the theories of Bourdieu, Hirsch, Constructivism, Putnam and others have been used. Spss18 and Amos were used to analyze the data.

**Results:** The results of Pearson correlation coefficient showed that there is a significant inverse relationship between social capital and its three dimensions, cultural capital and its embodied dimension and economic capital with a tendency to lie ( $P < 0.01$ ). The results of multiple regression analysis also showed that the research variables explain 19% of the tendency to lie and 81% of the variance changes can be explained by variables outside the subject of this study. There was no significant relationship between contextual variables (gender, age, marital status and level of education) of respondents and tendency to lie ( $P > 0.05$ ).


**Conclusions:** Lying is systematic in society and manifests itself in various dimensions and contexts. Severe economic fluctuations and economic anomalies increase the class gap, and in this case, the majority of people in society are unable to meet their needs and try to avoid moving in line with the goals of society by resorting to various means, which results in various social deviations, including "lying."

---

**Cite this article:** Velayati, R., Ebrahimpoor, D., Alizadeh Aghdam, M.B., Abbaszadeh, M. (2025). Interaction between social, cultural and economic capital with a tendency to lie among students. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (Special Issue), 59-97.

---



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.  [10.22034/JEDS.2021.43098.1483](https://doi.org/10.22034/JEDS.2021.43098.1483)

---